

## هو الحکیم

### جزوه نکات تستی درس به درس

## منطق دهم

## دکتر حمید رضا عبدلی

جزوه پیش رو، حاصل ماه‌ها تجربه، تالیف و هزینه کردن عمر است. اینجانب، برای دسترسی فراگیر و راحت دانش‌آموزان و دبیران محترم، آن را به شکل فایل منتشر کردم. با توجه به رعایت حق نشر مولف اثر، استفاده‌کننده محترم (خوانش، کپی، پرینت یا استفاده مجازی) اخلاقاً مکلف است، مبلغ **۳۵ هزار تومان** به شماره کارت ۶۰۴۳۳۷۷۲۳۳۰۱۹۵۶ به نام حمیدرضا عبدلی واریز نماید. (مبلغ سه جزوه منطق دهم، فلسفه یازدهم و فلسفه دوازدهم، با تخفیف، جمعاً **۱۱۰ هزار تومان** می‌باشد.)  
**توجه:** این جزوه، برای کسانی که توانایی پرداخت ندارند، رایگان است.

## درس اول: منطق ترازوی اندیشه

### ❖ سخن نخست:

- ✓ منطق علمی در پی جلوگیری از خطای اندیشه است. (هدف منطق)
- ✓ خطاهای اندیشه ممکن است عمدی یا سهوی رخ بدهند.
- ✓ واژه‌های معادل خطای اندیشه: مغالطه و سفسطه است.
- ✓ تعداد خطاهای ذهنی بی‌نهایت است و می‌توان آنها را در زندگی روزمره و تبلیغات و غیره مشاهده کرد.

### ❖ نکات تستی:

- ✓ از آنجا که ذهن انسان به طور طبیعی می‌اندیشد؛ پس (نتیجه): قواعد منطق کشف شده است. بنابراین اگر کسی بگوید، علم قواعد منطق طرح یا ابداع شده اند، اشتباه است.  
ضمنا بخواهیم یا نخواهیم، همه جا از منطق استفاده می‌کنیم. (استفاده از آن گریز ناپذیر است)  
ضمنا طبیعی عمل کردن ذهن، قابل مقایسه با طبیعی عمل کردن قلب انسان است.
- ✓ از آنجا که منطق علم ابزاری است پس (نتیجه): در خدمت سایر علوم است. بنابراین اگر کسی بگوید سایر علوم ابزار منطق هستند، غلط است.
- ✓ از آنجا که منطق علمی کاربردی است؛ پس (نتیجه): مصون ماندن از خطای اندیشه و به کارگیری منطق، نیازمند تمرین و ممارست است؛ مثل هر گونه مهارت دیگری.  
ضمنا اینکه منطق به دوچرخه سواری، رانندگی، نوازندگی و ... تشبیه می‌شود، از آن جهت است که به تمرین و ممارست نیاز دارد. ولی قرار نیست، سوار دوچرخه شدن، حتما انسان را به مقصد برساند.
- ✓ منطق زیربنای سایر علوم نیست. (زیربنای علوم، فلسفه مضاف است که بعدا خواهید خواند).
- ✓ منطق چیستی ذهن را بیان نمی‌کند. (بررسی چیستی ذهن، مربوط به فلسفه مضاف است)
- ✓ منطق علم صورت (فرمول/قاعده و قانون) است نه ماده (محتوا) (ماده به علوم دیگر واگذار می‌شود؛ یعنی از علوم دیگر گرفته می‌شود) بنابراین منطق باعث توسعه دانش انسان نیست.  
\* منظور از عبارت بالا این است که منطق قانون های تفکر را به ما اعلام می‌کند، اما محتوا را ارزیابی نمی‌کند؛ مثلا در منطق گفته می‌شود:  
عکس مستوی «هر الف ب است» می‌شود «بعضی ب الف است» و این یک قانون ثابت است. اما اینکه چه محتوایی به جای الف و ب بگذاریم، به علوم دیگر مرتبط است. (دقیقا مثل وقتی که در ریاضی به ما فرمولی آموزش می‌دهند و می‌گویند: مساحت = طول \* عرض اما مقداری که به جای طول و عرض می‌گذاریم، بستگی به مورد ما دارد؛ ولی قانون همیشه ثابت است)  
برای مثال: در فیزیک گفته می‌شود. «هر فلزی رساناست»، عکس آن می‌شود: «بعضی رساناها فلزند». حال این محتوا می‌تواند از علوم دیگر نیز گرفته شود.
- ✓ از آنجا که منطق برای ارزیابی اندیشه به کار می‌رود، آن را به ترازو تشبیه کرده اند.
- ✓ تاکید منطق بر شیوه درست اندیشیدن است؛ پس: (درست اندیشیدن را نمی‌آموزد)

- ✓ علی رغم دانستن منطق ممکن است ما دچار خطای ذهنی شویم.
- ✓ همچنین از آنجا که منطق خطای ذهن را نشان می دهد و در پی جلوگیری از آن است؛ می توان آن را به سیستم کنترلی خودرو تشبیه کرد یا دستگاهی که نحوه عملکرد قلب و سایر اعضای بدن را نشان می دهد. اینها در صدد هستند، اشتباهات و خطاهای خودرو یا بدن را رصد کنند؛ نه آنکه آن را درمان نمایند. منطق نیز این گونه است.
- ✓ اغلب آگهی های تجاری نوعی «استدلال» هستند که برای تشخیص درست و غلط بودنشان، به منطق نیاز داریم. بعد از تشخیص، می توان گفت برخی از آنها مغالطه اند.

#### ❖ تصور و تصدیق:

دانش (علم، آگاهی) به دو دسته تقسیم می شود:

- **تصدیق:** که در آن حکم و قضاوت و نسبت وجود دارد. در تصدیق چیزی را به چیزی نسبت می دهیم (معادل «است») یا سلب می کنیم (معادل «نیست»).  
فعل ربطی، فقط سلب و ایجاب را مشخص می کند.  
در تصدیق، جمله ما تمام می شود. (می توان تصدیق را معادل جمله خبری گرفت)؛ مثلا:
  - گر بر سر نفس خود امیری، مردی.
  - ای دوست به دوستی قرینیم تو را.
  - دلبر آن نیست که مویی و میانی دارد.
- **تصور:** که در آن کاری به واقعیت داشتن و نداشتن چیزی نداریم. یک مفهوم تک و تنهاست. اگر جمله باشد، انگار آن جمله تمام نشده و ذهن معطل ادامه جمله است. (چون حکم و قضاوتی صورت نگرفته است)؛ مثلا:
  - گل سرخ زیبای منزل ما ...
  - برخیز و مخور غم جهان گذران.
  - بود آیا که در میکده ها بگشایند؟

#### ❖ نکات تستی:

- ✓ جملات ناقص (مثلا نیمه اول قضایای شرطی (مقدم)) و جملات انشائی (امر، نهی، پرسش، آرزو و ...) تصور هستند.
- ✓ تصور با قید زدن به تصدیق تبدیل نمی شود. مثلا: گل سرخ زیبای منزل مادر بزرگ من
- ✓ تصدیق، قابلیت صدق و کذب دارد. (جمله خبری)
- ✓ منظور از تصدیق، صادق بودن نیست؛ به عبارت دیگر، منظور از تصدیق این نیست که جمله ما حتما صادق باشد. مثلا جملات زیر، همه دو تصدیق هستند:
  - \* یزد پایتخت ایران است. (ک)
  - \* یزد پایتخت ایران نیست. (ص)
  - \* خدا واقعیت دارد. (ص)
  - \* خدا واقعیت ندارد. (ک)

✓ وجود خارجی داشتن مربوط به عالم خارج (واقع) است، نه تصور و مفهوم. (در سطح کتاب شما)

### ❖ تعریف و استدلال:

✓ برای روشن کردن یک تصور مجهول، باید از تصورات معلوم استفاده کنیم. به این کار تعریف می‌گویند.

تعریف در پاسخ به سوال «چیست؟» می‌آید؛ مثلاً کسی از ما می‌پرسد: کرونا چیست؟ ما در پاسخ به او کرونا را تعریف کرده و می‌گوییم: «بیماری ویروسی با سرعت انتقال بالا».

✓ برای روشن کردن یک تصدیق مجهول، باید از تصدیقات معلوم استفاده کنیم. به این کار استدلال می‌گویند.

استدلال در پاسخ به سوال «چرا؟» می‌آید؛ مثلاً کسی از ما می‌پرسد: چرا برگ درختان سبز رنگ است؟ ما در پاسخ به او استدلال می‌کنیم که چون برگ درختان حاوی کلروفیل هستند، سبزند.

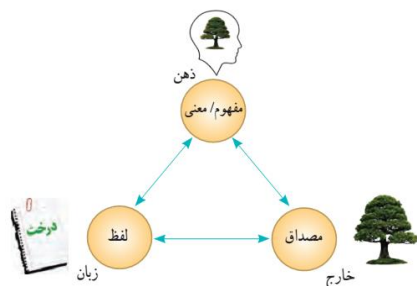
### ❖ نکات تستی:

✓ دو حیطه اصلی دانش منطق (موضوع علم منطق)، تعریف و استدلال هستند.

✓ اینکه دانش منطق دو موضوع (تعریف و استدلال) پیدا کرد، به خاطر آن بود که دانش و آگاهی ذهنی انسان، دو مدل داشت (تصور و تصدیق)

## درس دوم: لفظ و معنا

به این واژه‌های معادل با هم دقت کنید:



• حیطه معنا = ذهن = مفهوم

• حیطه لفظ = کلمه = زبان

• حیطه واقع = خارج = مصداق

مثال:

کلمه آتش در جمله «آتش می‌سوزاند»، مربوط به حیطه واقع و خارج است.

کلمه آتش در جمله «آتش با اولین حرف فارسی یعنی آ شروع می‌شود»، مربوط به حیطه زبان است.

کلمه آتش در جمله «یا رب این آتش که در جان من است // سرد کن زان سان که کردی بر خلیل»، مربوط به حیطه ذهن است.

توجه: خطا در هر حیطه، ممکن است باعث خطا در حیطه دیگر شود. برای همین این بحث در منطق مطرح می‌شود. چون منطق علم بررسی خطای اندیشه است.

مثال: - اسفناج گیاه است. - گیاه چهار حرف دارد. ∴ پس: اسفناج چهار حرف دارد. (خطا ناشی از این است که در جمله اول مصداق خارجی گیاه و در جمله دوم کلمه گیاه مد نظر است.)

### ❖ فهم دقیق دلالت‌ها:

جزوه نکات تستی منطق دهم انسانی (ویراست ششم) - دکتر حمید رضا عبدلی

@h\_r\_abdoli کانال شخصی \*\* @dr\_abdoli\_test تدریس و اطلاع رسانی (ایتا و تلگرام)

**تذکر مهم:** منظور از **دلالت** این است که گوینده از **واژه‌ای** که به کار می برد، چه معنایی را **اراده می کند** و **منظور** دارد. مثلا ممکن است بگوید: «دستم را بریدم». در این جا ممکن است منظور او انگشتانش باشد. این یعنی واژه «دست» را به کار برده؛ ولی منظورش «انگشت» است. یا ممکن است بگوید: «دست از سرم بردار!» و منظور او این باشد که «مرا رها کن». این یعنی اصطلاح «دست برداشتن» به معنای «رها کردن» به کار رفته است.

ابتدا دلالت ها را یاد بگیریم:

✓ **دلالت مطابقی:** لفظ بر **کل** معنا (یا معنای واقعی خودش) دلالت می کند؛ مثل زمانی که در ساعت فروشی بگویید:

«این ساعت چند است؟» یا به دوستان بگویید: «ماشینم را دزد برد»

✓ **دلالت تضمینی:** لفظ بر جزء یا **بخشی** از معنا دلالت می کند؛ مثل زمانی که در ساعت سازی بگویید: «ساعتم

کار نمی کند» یا به دوستان بگویید: «ماشینم را دزد زد» و منظورتان این باشد که ضبط ماشین را دزد برده است.

✓ **دلالت التزامی:** لفظ بر **معنای دیگری** دلالت می کند. مثل زمانی که دانش آموز به معلم بگوید: «ساعت چند

کلاس داریم؟» که در اینجا ساعت به معنای زمان به کار رفته است. یا اینکه شما به دوستان بگویید: «ماشینم را

دزد زد» و منظورتان این باشد که ساعت و عینک آفتابی تان را از داشبرد ماشینتان برداشته اند!

ضمنا تشبیه و استعاره و کنایه و مجاز و... می تواند باعث دلالت التزامی شود.

❖ **نکته تستی:**

✓ موقع تشخیص دلالت ها باید دقت کنید که دقیقا دلالت کدام کلمه را از شما خواسته اند. چه بسا تعبیر شما کنایی،

استعاری، مجاز، تشبیه یا ضرب المثل باشد، اما آن کلمه ای که از شما خواسته شده، دلالتش مطابقی باشد. مثلا:

واژه **کوه** در جمله «**کوه** باش» دلالت التزامی دارد؛ زیرا کوه معنای استواری و صبوری می دهد. (کوه باش یعنی

صبور باش)

اما **کوه** در جمله «چون **کوه** استوار باش» دلالت مطابقی دارد؛ زیرا کوه معنای خودش یعنی کوه را می دهد.

یک مثال مفید:

ممکن است من در جمله ای بگویم: «مریم در مسابقه شطرنج کشوری، دوم شد» و شما از این اینکه گفتم «**دوم**»

می فهمید که او «**مدال نقره**» گرفته است. پس «دوم» بر معنای خارجی و دیگری دلالت کرده است. یعنی دلالت

آن التزامی بوده است. همچنین ممکن است کسی بگوید «مریم نقره ای شد» و منظورش این باشد که در مسابقه

نقر دوم شده است. (دلالت التزامی)

❖ **تفکیک مغالطات این درس به طور خیلی ساده و تستی:**

✓ **مغالطه اشتراک لفظ:** یک لفظ چند **معنا** باعث خطای ذهنی شود. (خطای ذهنی ناشی از معانی مختلف و متفاوت

یک لفظ باشد)؛ مثلا این جمله: «دانایان معتقدند شیر در رویای صادق حکایت از علم دارد»

در جمله فوق معلوم نیست کدام شیر مد نظر است: حیوان درنده یا نوشیدنی یا..

جزوه نکات تستی منطق دهم انسانی (ویراست ششم) - دکتر حمید رضا عبدلی

@h\_r\_abdoli کانال شخصی \*\* @dr\_abdoli\_test تدریس و اطلاع رسانی (ایتا و تلگرام)

✓ **تذکر تستی:** هر اشتراک لفظی، لزوما مغالطه اشتراک لفظ نیست. ( هر جا یک لفظ با دو معنا داریم، لزوما مغالطه نیست). مثلا ممکن است مادر به شما پیام بدهد: « برای کیک، یک پاکت شیر بگیر». این اصلا مغالطه نیست؛ چرا که باعث خطای ذهنی نمی شود. یا مثلا در جمله «**فیروزه**، یک انگشتر **فیروزه** خرید»، مغالطه ای وجود ندارد؛ چرا که خطای ذهنی ای رخ نمی دهد. (صرفا دو معنای مختلف از یک لفظ داریم. همین!)

✓ **مغالطه توسل به معنای ظاهری:** گوینده جمله ای بگوید که معنای التزامی یا تضمنی مد نظرش باشد، و مخاطب، دلالت مطابقی را برداشت کند. (مطابقی یعنی ظاهری)

مثلا دبیر ورزش به شما بگوید: حواستان باشد که توپ را به شیشه زنید و شما بگویید: پس اجازه داریم سنگ بزنییم! منظور دبیر ورزش هر گونه شیء (به دلالت التزامی) بوده، و شما فقط مفهوم توپ را مد نظر گرفتید. (دلالت مطابقی) یا اینکه مثلا: کسی بگوید: «دستم را بریدم» (منظورم تضمنی باشد) و ما بگوییم: تو که هنوز دست داری! (منظورمان معنای مطابقی (کل دست) باشد).

**تذکر تستی:** هر جا اشتراک لفظ یا دلالت التزامی و تضمن بود، لزوما مغالطه نیست؛ باید احتمال خطای ذهنی (مغالطه) برود؛ مثلا اگر چه در شعر زیر «**ماه من**» دلالت التزامی دارد و «**ماه گردون**» دلالت مطابقی، اما این باعث خطای ذهنی نمی شود:

میان ماه من تا ماه گردون تفاوت از زمین تا آسمان است.

✓ **مغالطه ابهام در مرجع ضمیر:** ضمیری در جمله باشد که فاعل آن یا مرجع آن مبهم باشد؛

مثلا: الهام تا شوهرش را دید، صفحه موبایلش را بست. در جمله فوق معلوم نیست، صفحه موبایل خودش را بسته یا صفحه موبایل شوهرش را. یا مثلا: من سالهاست پدر مجید را می شناسم. او انسان فرهیخته ای است. (او به چه کسی بر می گردد؟ مجید یا پدر مجید؟!)

**تذکر تستی:** ضمیری که در جمله به کار می رود، ممکن است گاهی منفصل (او، آن، آنها...) و گاهی متصل (ش، شان و ..) باشد.

این احتمال وجود دارد که ضمیر در جمله حذف شده باشد؛ مثلا در داستان صفحه ۱۷ کتاب درسی، اگر بگویید: «با رفتن به جنگ ایران، پادشاهی قدرتمندی را نابود خواهی ساخت». کلمه «آن» حذف شده و ما باید خودمان تشخیص بدهیم. ضمنا هر جا ضمیری در جمله بود، لزوما مغالطه ابهام در مرجع ضمیر نیست. (تا وقتی ضمیری باعث ایجاد خطای ذهنی نشده و مرجع مبهم ندارد، آن تعبیر مغالطی نخواهد بود)

✓ **مغالطه شیوه نگارش کلمات:** خطای ذهنی ناشی از علائم سجاوندی (ویرایشی)، املای اشتباه، حرکت گذاری غلط، فاصله گذاری یا حتی تلفظ اشتباه باشد؛

مثلا: دوستان نیمه راهید اگر برگردید

کدام منظور است؟ «دوستان نیمه راهید اگر برگردید» یا «دوستان! اگر نیمه راهید، برگردید» یا «دوستان، اگر برگردید، نیمه راه هستید» (یعنی نتوانسته اید کل راه را بپیمایید و در طی طریق، ناکام مانده اید) یا مثلا: گفتمش باید بری نامم زیاد // گفت باشد می برم نامت زیاد

(در بیت فوق معلوم نیست آخر مصرع اول یا دوم، کدام یک را باید «ز یاد» خواند و کدام را باید «زیاد» خواند. این به خاطر رعایت نشدن، فاصله گذاری است.

### ❖ نکات تستی کلی:

✓ حواسمان باشد هر جا اصطلاحات رایج شیر، سیر، دوش و ... دیدیم؛ لزوماً اشتراک لفظ نیست؛ مثلاً در استدلال:  
- علی شیر است. شیر حیوان درنده است. پس: علی حیوان درنده است.

آنچه باعث مغالطه شده، دلالت های مختلف واژه شیر است؛ نه معانی مختلف (شیر در جمله اول به دلالت التزامی یعنی شجاع و در جمله دوم به دلالت مطابقی شیر بیشه اشاره دارد)

(البته دقیق تر این است که مغالطه فوق را «مغالطه عدم تکرار حد وسط» بدانیم. این را در درس هشتم خواهید آموخت)

✓ تا وقتی خطای ذهنی نداشته باشیم، مغالطه حساب نمی شود؛ مثلاً در شعر «کار پاکان را قیاس از خود مگیر // گرچه ماند در نوشتن شیر و شیر» مغالطه ای نداریم؛ چرا که دو کلمه شیر، هر کدام به هر معنا بگیریم، معنا، ثابت می ماند.

✓ همیشه اشتراک لفظ در اسم و فعل نیست، گاهی اوقات اشتراک لفظ حرف اضافه و... رخ می دهد؛ مثلاً در جمله: «او سالها با فریب مبارزه کرد» آنچه باعث مغالطه اشتراک لفظ شده، معانی مختلف واژه «با» است. (با چند معنا دارد: به وسیله، علیه، به همراه)

✓ علم منطق به زبان خاصی وابسته نیست.

✓ علم منطق به قواعد صرفی و نحوی نمی پردازد.

✓ وجود خارجی هر چیز، مربوط به عالم واقع و مصداق است. (در سطح کتاب شما)

## درس سوم: مفهوم و مصداق

### ❖ کلی و جزئی:

• کلی: مفهومی که قابلیت (می تواند) صدق بر موارد (مصادیق) متعدد را دارد. (نگفتیم که حتماً باید تعداد زیادی داشته باشد؛ چه بسا اصلاً مصداق خارجی نداشته باشد).

• جزئی: مفهومی که قابلیت (می تواند) صدق بر یک چیز مشخص را دارد.

### • اقسام کلی:

✓ دارای مصادیق زیاد: انسان، درخت، اسب و ...

✓ یک مصداقی: مولود کعبه، رئیس جمهور ایران، تنها پسر فاطمه، بلندترین قله جهان، اولین کسی که ...

آخرین کسی که ....

✓ بدون مصداق: سیمرغ، دیو، عدالت، آزادی، عشق، منطق، استدلال، تضاد، تناقض و غیره.

### • اقسام جزئی:

جزوه نکات تستی منطق دهم انسانی (ویراست ششم) - دکتر حمید رضا عبدلی

@h\_r\_abdoli کانال شخصی \*\* @dr\_abdoli\_test تدریس و اطلاع رسانی (ایتا و تلگرام)

✓ به لحاظ شمارش، متعدد: این کتاب‌ها، آن کلاس، این کشور، آن ملت و ... (بنابراین اصلاً شمارش کردن، ملاک تشخیص جزئی و کلی نیست).

✓ یک مصداقی: این کتاب، فاطمه، مریم، حسین، ابراهیم، حمید.

✓ بدون مصداق: شِرك، هری پاتر، رستم داستان.

#### ❖ نکات تستی:

✓ روش تشخیص جزئی: یا اسم خاص (اسم افراد، اماکن، سایت‌ها، اسم کتاب و اسم فیلم و ...) یا با «این» و «آن» اشاره شده است یا کلمه ما داخل گیومه «» است.

✓ تذکر مهم برای تشخیص جزئی: گاهی به جای اینکه با «این» و «آن» اشاره شده باشد، در مقام «این» و «آن» است؛ مثلاً به موارد زیر توجه کنید:

آسمان، پنج حرف دارد / ندارد. یعنی این کلمه، پنج حرف دارد/ندارد.

مجموعه اعداد طبیعی، غیرقابل شمارش است. یعنی این مجموعه، غیر قابل شمارش است.

✓ تذکر: برای تشخیص مفهوم کلی و جزئی، هرگز چیزی را شمارش نکنید.

✓ منطق با مفاهیم جزئی کار ندارد؛ مثلاً در بحث نسبت‌های چهارگانه باید حواسمان باشد که یکی از در گزینه‌ها، از مفهوم جزئی استفاده نشده باشد. (توضیح این مطلب در ادامه می‌آید)

✓ مفاهیم کلی هر چه قید بخورند جزئی نمی‌شوند: گل سرخ زیبای خانه مادربزرگ من (کلی)

✓ در ترکیبات اضافی و وصفی برای تشخیص کلی و جزئی به بخش اول ترکیب نگاه می‌کنیم:

خانه احمد، پسر علی، گل زیبا، گل خوشبوی فاطمه اولین امام شیعیان همه کلی هستند.

✓ مواردی که یک ترکیب روی هم دیگر، اسم خاص بشود، این جزئی است؛ مثلاً فرقی ندارد بگوییم «استان یزد» یا بگوییم «یزد». یا اینکه فرقی ندارد بگوییم «خانه کعبه» یا بگوییم «کعبه». همچنین «قله دماوند» معادل همان «دماوند» است. اینها همگی مفاهیم جزئی هستند.

✓ قمر و خورشید مفاهیم کلی هستند. (چون تعریف نوعی دارند؛ یعنی ما به هر چیزی که به دور سیاره‌ای بچرخد، قمر می‌گوییم و به هر چه مرکز منظومه‌ای باشد، خورشید اطلاق می‌شود)

✓ اسامی سیاره‌ها و ستاره‌ها جزئی هستند. (چون اسم‌گذاری هستند)

✓ تمامی قیدهای زمانی کلی هستند، مانند فردا، پس فردا و...؛ اما همین فردا و امروز (=این روز) جزئی هستند، چون قید این و آن بر سر آنها آمده است.

✓ اسامی ماه و اسامی ایام هفته همگی کلی هستند.

✓ اعداد و ارقام همگی صفت شمارشی و کلی هستند.

✓ اعداد نمای رتبه یا اعداد ترتیبی همگی کلی هستند؛ مثل اول، دوم، یا اولین، دومین، سومین و ...

✓ صفات ساده و تفضیلی و عالی، همگی کلی هستند مثل خوشبو، خوشوتر، خوشبوترین ...



### ❖ نسبت های چهارگانه (نسب اربع):

- ✓ نسبت های چهارگانه بین مصادیق **دو** مفهوم **کلی** برقرار می شود.
- ✓ بهترین راه تشخیص نسبت های اربع استفاده از سوره های زیر است:
- اگر بتوان از سوره های «هر» و «هر» استفاده کرد؛ دو مفهوم، رابطه **تساوی** دارند؛ مثلا: بین دو مفهوم «مثلث» و «شکل سه ضلعی»، رابطه تساوی برقرار است؛ چون می توان گفت: هر مثلثی شکل سه ضلعی است و هر شکل سه ضلعی مثلث است.
- اگر بتوان از سوره های «هیچ» و «هیچ» استفاده کرد؛ دو مفهوم، رابطه **تباين** دارند؛ مثلا: بین دو مفهوم «سنگ» و «انسان»، رابطه تباين برقرار است؛ چون می توان گفت: هیچ سنگی انسان نیست و هیچ انسانی سنگ نیست.
- اگر بتوان از سوره های «هر» و «بعضی» استفاده کرد؛ دو مفهوم، رابطه **عموم و خصوص مطلق** دارند؛ مثلا: بین دو مفهوم «رنگ» و «سبز»، رابطه عموم و خصوص مطلق برقرار است؛ چون می توان گفت: هر سبزی رنگ است و بعضی رنگ ها سبز هستند.
- اگر بتوان از سوره های «بعضی» و «بعضی» استفاده کرد؛ دو مفهوم، رابطه **عموم و خصوص من وجه** دارند؛ مثلا: بین دو مفهوم «کبوتر» و «سفید»، رابطه عموم و خصوص من وجه برقرار است؛ چون می توان گفت: بعضی کبوترها سفید هستند و بعضی سفیدها کبوترند.

### ❖ نکات تستی:

- ✓ اگر یکی یا هر دوی مفاهیم ما **جزئی** بود، نسبت اربعه برقرار **نمی شود**. (مثلا بین دو مفهوم تهران و ایران نسبتی نیست. همچنین بین دو مفهوم زن و لیلا (مفهوم جزئی) نسبتی برقرار نمی شود)
- ✓ بهترین راه تشخیص نسب اربع استفاده از سوره های هر، هیچ و بعضی است. (لطفا برای تشخیص نسب اربع، شکل **نکشید؛ چون در زمان کشیدن شکل، ممکن است مفهوم جزئی را به حساب بیاورید**)
- ✓ برای تشخیص نسبت های چهارگانه، کلمات (از، دارای و ....) اضافه **نکنید**.
- مثلا: آب و یخ تباين دارند. در و دستگیره با هم تباين دارند. انسان و چشم تباين دارند.
- درخت و میوه تباين دارند. خودرو و فرمان تباين دارند.
- ✓ در رابطه تساوی (شکل مقابل)، قضایای زیر صادق هستند:



- هر الف ب است.
- بعضی الف ب است.
- هر ب الف است.
- بعضی ب الف است.



- ✓ در رابطه تباين (شکل مقابل)، قضایای زیر صادق هستند:
- هیچ الف ب نیست.
- بعضی الف ب نیست.
- هیچ ب الف نیست.



- ✓ بعضی ب الف نیست.
- ✓ در رابطه عموم و خصوص مطلق (شکل مقابل)، قضایای زیر صادق هستند:
  - هر ب الف است.
  - بعضی ب الف است.
  - بعضی الف ب است.
  - بعضی الف ب نیست.



- ✓ در رابطه عموم و خصوص من وجه (شکل مقابل)، قضایای زیر صادق هستند:
  - بعضی الف ب است.
  - بعضی الف ب نیست.
  - بعضی ب الف است.
  - بعضی ب الف نیست.

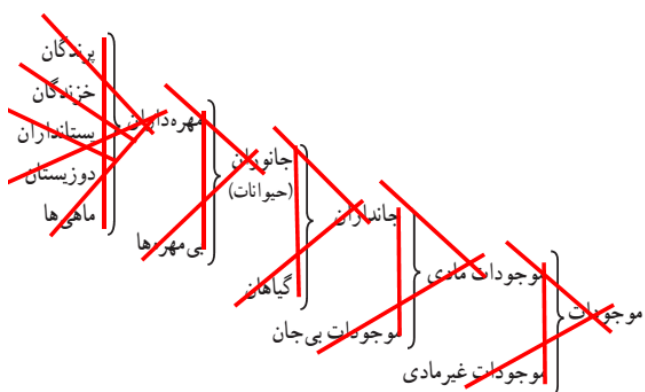
- ✓ اگر دو مفهوم رابطه عام و خاص مطلق داشته باشند و کلمه غیر بر سر هر دو آنها بیاید، باز هم مطلق هستند و فقط مفهوم عام و خاص جابجا می شوند.

غیر ایرانی و غیر آسیایی: مطلق

ایرانی و آسیایی: مطلق

- ✓ از بحث نسبت‌های چهارگانه منطقی در طبقه‌بندی مفاهیم استفاده می‌شود:

- بین مفاهیم موجود در یک طبقه‌بندی، رابطه تباین برقرار است. (مفاهیمی که در شکل زیر با **خطوط عمودی** به هم وصل شده‌اند)
- بین مفاهیم یک طبقه با طبقه دیگر (وقتی یکی زیرمجموعه دیگری است)، رابطه عموم و خصوص مطلق برقرار است. (مفاهیمی که در شکل زیر با **خطوط مورب** به هم وصل شده‌اند)
- وقتی گفته می‌شود خطوط مورب، باید یکی با واسطه یا بی‌واسطه، زیر مجموعه دیگری باشد، مثلاً بین «ماهی‌ها» و «موجودات بی‌جان» رابطه تباین است نه عموم و خصوص مطلق؛ چون «ماهی» زیر مجموعه جانداران است.



- ✓ در تقسیم‌بندی، هر چه پیشتر می‌رویم، دایره مصادیق کوچکتر می‌شود، یعنی مثلاً در مثال بالا، وسعت مصادیق موجودات، بیشتر از وسعت موجودات مادی است و وسعت موجودات، به مراتب بیشتر از

وسعت مصادیق پرنده‌گان است. پس می‌توان به لحاظ وسعت مصادیق، از علامت کوچکتر و بزرگتر استفاده کرد:

موجودات < موجودات مادی < جانداران < جانوران < مهره داران < پستانداران

جزوه پیش رو، حاصل ماه‌ها تجربه، تالیف و هزینه کردن عمر است. اینجانب، برای دسترسی فراگیر و راحت دانش‌آموزان و دبیران محترم، آن را به شکل فایل منتشر کردم. با توجه به رعایت حق نشر مولف اثر، استفاده‌کننده محترم (خوانش، کپی، پرینت یا استفاده مجازی) اخلاقاً مکلف است، مبلغ **۳۵ هزار**

**تومان** به شماره کارت ۶۱۰۴۳۳۷۷۲۳۳۰۱۹۵۶ به نام حمیدرضا عبدلی واریز نماید. (مبلغ سه جزوه

## درس چهارم: اقسام و شرایط تعریف

### ❖ اقسام تعریف:

✓ با توجه به اینکه سه حیطة «زبان»، «مصدق» و «ذهن» داریم، سه مدل تعریف خواهیم داشت:

• **تعریف لفظی یا لغوی:** بیان نحوه شکل گیری کلمه، ترجمه واژه، مترادف، متضاد، معادل آن، مخفف، نحوه شکل گیری کلمه؛ مثلاً:

سَمَر: به معنای افسانه و حکایت خرداد: نام سومین ماه شمسی به معنای رسایی و کمال

• **تعریف به ذکر مصادیق (مصدقی):** نشان دادن اصل یک چیز، عکس و فیلم آن، ذکر چند نمونه از آن، بیان اینکه شبیه چه چیزی است؛ مثلاً:

آنتی بیوتیک: داروهایی چون پنی سیلین، آمپی سیلین، داکسی سایکلین و ... .

• **تعریف مفهومی:** مفهوم عام (وجه مشترک و شباهت) + مفهوم خاص (وجه غیر مشترک و اختصاصی و افتراق)؛ مثلاً: کرونا: بیماری ویروسی      سماع: نوعی رقص عرفانی.

✓ نکته: می توان تعریف ها را با هم ترکیب کرد. (تعریف ترکیبی)

### ❖ نکات تستی:

✓ تعریف لفظی مربوط به حیطة زبان، تعریف به ذکر مصادیق مربوط به حیطة مصداق (خارج) و تعریف مفهومی مربوط به حیطة ذهن (معنا و مفهوم) است.

✓ در تعریف مفهومی، وجه مشترک (مفهوم عام) و وجه تفاوت (مفهوم خاص) است.

✓ تعریف باید با مفاهیم عام شروع شود و به مفاهیم خاص تر برسد.

✓ چیزی که مصداق خارجی ندارد، نمی شود مصداقی تعریف کرد؛ مثلاً آزادی و عدالت و هوش، مهربانی، ... .

✓ علم منطق تعریف نمی کند؛ بلکه فقط قواعد و قوانین تعریف را بیان می کند.

### ❖ شرایط تعریف صحیح:

• **واضح باشد:** در تعریف یک مفهوم، از الفاظ و کلمات نامانوس، مبهم، دشوارتر از مفهوم مجهول (آنچه تعریف می شود) (تشبیه، ایهام، استعاره و ...) استفاده نشود؛ مثلاً:

اگر به پزشک بگویی لوز المعده چیست؟ و او در پاسخ بگوید: «پانکراس». این تعریف واضح نیست.

• **دوری نباشد:** واژه طوری تعریف نشود که برای فهم آن مجدداً به فهم خود شیء نیاز داشته باشیم؛ مثلاً:

اگر کسی در تعریف «نظم» بگوید «نظم داشتن یعنی منظم بودن»، تعریف او دوری است.

- **جامع افراد باشد:** یعنی همه مصادیق مفهوم **مجهول** را در بر بگیرد. (افراد خارج از مفهوم مجهول قرار نگیرند و کوچکتر از مفهوم مجهول نباشد)؛ مثلاً:  
تعریف «جاندار» به «موجودی که دارای حواس است» تعریف جامعی نیست. چون همه جانداران را در بر نمی‌گیرد. گیاهان جاندارند و دارای حواس هم نیستند.
- **مانع اغیار باشد:** یعنی مصادیق بی‌ارتباط را در بر نگیرد. (افراد غیره را در خود جای ندهد و بزرگتر از مفهوم مجهول نباشد)؛ مثلاً:  
تعریف «فلسفه (متافیزیک)» به «دانشی که روش آن استدلالی است» تعریف مانعی نیست؛ چون ریاضی را هم در بر می‌گیرد. (روش ریاضی هم استدلالی است).

#### ❖ نکات تستی:

- ✓ شرط واضح بودن تعریف، امری **نسبی** است. (نسبت به افراد با مشاغل و تحصیلات مختلف، فرق می‌کند)
- ✓ **ساده ترین روش** تستی برای تشخیص جامع و مانع بودن:
  - **جامع بودن:** عبارت «**آیا همه**» به اول جمله اضافه می‌کنیم و جمله را تا آخر به طور سوالی می‌خوانیم. اگر **بله** شد (جامع است) و اگر **خیر** شد (جامع نیست)
  - **مانع بودن:** عبارت «**آیا فقط**» به اول جمله اضافه می‌کنیم و جمله را تا آخر به طور سوالی می‌خوانیم. اگر **بله** شد (مانع است) و اگر **خیر** شد (مانع نیست)

مثال:

پرنده (مفهوم مجهول): «حیوان تخم‌گذار» (تعریف)

می‌پرسیم:

آیا همه پرنده‌ها حیوان تخم‌گذار هستند؟ بله. پس: جامع است.

آیا فقط پرنده حیوان تخم‌گذار است؟ خیر. پس: مانع نیست.

مابقی را نیز به همین شکل حل می‌کنیم؛ مثلاً:

پرنده: «حیوان گوشت‌خوار»: جامع نیست - مانع نیست.

پرنده: «حیوان غیرپستاندار»: جامع است - مانع نیست.

- ✓ **نکته:** اگر واژه ما جزئی یا به گونه‌ای است که نمی‌توان کلمه **همه** به آن اضافه کرد، اشکالی ندارد؛ واژه «آیا» را به تنهایی به کار می‌بریم؛ مثلاً:

متافیزیک: دانشی که روش آن استدلالی است.

آیا متافیزیک دانشی است که روش آن استدلالی است؟ بله. پس: جامع است.

آیا فقط متافیزیک دانشی است که روش آن استدلالی است؟ خیر. پس: مانع نیست.

#### ❖ ارتباط جامع و مانع بودن با نسب اربع:

جزوه نکات تستی منطق دهم انسانی (ویراست ششم) - دکتر حمید رضا عبدلی

@h\_r\_abdoli کانال شخصی \*\* @dr\_abdoli\_test تدریس و اطلاع رسانی (ایتا و تلگرام)

تذکر: حواستان به علامت <> باشد. این علایم به شما می‌گویند، کدام طرف به جهت مصداق، وسعت بیشتری دارد. **حالا دقت کنید:**

- مثلث < شکلی با سه ضلع مساوی (جامع نیست) (رابطه عام و خاص مطلق) ×
  - مربع > شکلی با چهار ضلع مساوی (مانع نیست) (رابطه عام و خاص مطلق) ×
  - کیوتر < > حیوان سفید رنگ (جامع نیست - مانع نیست) (رابطه عام و خاص منوجه) ×
  - سیب ≠ پرنده ای خوش آواز (بی ارتباط است - نادرست است) (رابطه تباین) ×
  - انسان = حیوان ناطق (هم جامع است و هم مانع است) (رابطه تساوی) ✓
- ❖ پس: رابطه تعریف با آنچه تعریف می‌شود (مفهوم مجهول)، باید تساوی باشد.

## درس پنجم: اقسام استدلال استقرائی

❖ اقسام استدلال:

الف: استدلال قیاسی (قیاس)

- ب: استدلال استقرائی (استقراء) :
- ۱. استقراء تمثیلی
  - ۲. استقراء تعمیمی
  - ۳. استنتاج بهترین تبیین

❖ نکات تستی:

- ✓ استدلال قیاسی ضرورتاً از مقدمات حمایت می‌کنند (حمایت مطلق). یعنی نتیجه قطعی و ضروری است و مقدمات، حتماً نتیجه را در پی دارند. (از واژه معتبر استفاده می‌کنیم).
- ✓ نتیجه استدلال‌های استقرائی، احتمالی هستند؛ یعنی مقدمات از نتیجه حمایت نسبی می‌کنند.
- ✓ تفاوت قطعی و صادق (درست بودن):

قیاس: قطعی است. نتیجه ضروری است؛ اما

ضرورتاً درست (صادق) نیست.

قطعی بودن یعنی مقدمات ضرورتاً نتیجه را در پی داشته باشد. (به لحاظ فرمول و قوانین منطقی (صورت))؛ مثلاً:

م: هر الف ب است.

م: هر ب ج است

م: هر الف ب است

اکنون می‌گوییم:

- ممکن است قیاسی قطعی باشد؛ ولی نتیجه کاذب باشد.
- ممکن است قیاسی قطعی نباشد؛ ولی نتیجه صادق باشد.

مثلاً:

هر پرنده ای گوشتخوارند. :: هر کتابی گوشتخوارند. **هر کتابی پرنده است.**

قیاس فوق، معتبر است (قطعی و ضروری است) چون شرایط اعتبار قیاس را داراست؛ اما **کاذب** است. این کاذب بودن به خاطر محتوای مقدمه اول است که بررسی آن در حیطه علم منطق صورت نمی گیرد.

**مثال دیگر:**

بعضی انسان ها سنگ نیستند. **بعضی سنگ ها درخت نیستند.** :: بعضی انسان ها درخت نیستند.

قیاس فوق، معتبر نیست (قطعی و ضروری نیست)؛ چون شرایط اعتبار قیاس را ندارد (در درس هشتم می خوانیم-چون هر دو مقدمه سالبه است)؛ اما نتیجه صادق در آمده است.

### ❖ راه ساده تشخیص اقسام استدلال:

- **قیاس:** حکم به این صورت است: **از کل به جزء**

**مثال:** من انسان هستم و هر انسانی به هوای سالم نیاز دارد؛ من هم به هوای سالم نیاز دارم.

در استدلال فوق از اینکه **کل** انسان ها به هوای سالم نیاز دارند، به این نتیجه رسیده که **من** هم به هوای سالم نیاز دارم. (باید به معنا توجه کنید. ترتیب کلمات، اهمیتی ندارند)

- **استقراء تعمیمی:** حکم به این صورت است: **از جزء به کل**

**مثال:** تاکنون در هیچ امتحانی مردود نشده ام؛ پس در هرگز مردود نخواهم شد.

در استدلال فوق از اینکه **تاکنون (جزء)** مردود نشده، نتیجه می گیرد که **هرگز (کل)** مردود نخواهد شد.

- **استقراء تمثیلی:** حکم به این صورت است: **از جزء به جزء** معمولاً با وجود یک شباهت.

**مثال:** انسان باید زیاد سیر و سیاحت کند؛ زیرا آب اگر در یک جا بماند می گنند.

در استدلال فوق **انسان (امر جزئی)** را به **آب (امر جزئی دیگر)** تشبیه کرده است. (وجه شباهت، ماندن در یک جا است) و گفته همانگونه که آب می گنند، انسان هم خواهد گندید.

- **استنتاج بهترین تبیین:** بررسی **احتمالات** مختلف و انتخاب بهترین. (اینجا **احتمالات** و **شاید** مطرح است) (انگار

کسی دارد **گمانه زنی** می کند و می گوید: شاید به خاطر این، شاید به خاطر آن، شاید...)


**مثال:** دیروز از جلوی مدرسه ای عبور می کردم. درهایش بسته بود؛ جمعه یا روز تعطیل هم نبود؛ هوا هم آلوده نبود. پس حتماً برای تعمیرات تعطیل کرده اند.

در استدلال فوق با بررسی **احتمالات** مختلف تعطیل شدن مدرسه، بهترین مورد را انتخاب کرده است. (مثل یک کارآگاه)

جزوه نکات تستی منطق دهم انسانی (ویراست ششم) - دکتر حمید رضا عبدلی

@h\_r\_abdoli کانال شخصی \*\* @dr\_abdoli\_test تدریس و اطلاع رسانی (ایتا و تلگرام)

✓ **تذکر جدی تستی:** برای حل تست ها باید مسیر حرکت حکم را شناسایی کنیم؛ یعنی صرفا باید تشخیص بدهیم که به **لحاظ معنایی** کدام مورد از موارد فوق استفاده شده است. اهمیتی ندارد که چینش کلمات چطور است. به مثال زیر دقت کنید:

  
من شهروند هستم و مانند **هر** شهروند دیگری به حقوق عادلانه شهروندی نیازمندم.

حل: ظاهر جمله این گمان را تقویت می کند که اول کلمه «من» آمده و بعد کلمه «هر»، پس انگار جزء به کل رفته! اما این اشتباه است؛ دقت در معنا نشان می دهد که گوینده می گوید:

از آنجا که همه نیازمند حقوق عادلانه شهروندی هستند؛ پس: من هم نیازمند حقوق شهروندی ام.

یعنی از کل به جزء حرکت کرده و باید گفت استدلال فوق «قیاس» است. (به مسیر فلش دقت کنید)

### ❖ نکات تستی:

✓ وقتی حکم یک استدلال به آینده می رود، استقراء تعمیمی است و اگر حکم ما ناظر به گذشته باشد، استدلال ما قیاس است؛ مثلا:

- همه کتابهایی که حامد خریده، هنری است؛ پس او کتاب بعدی که خواهد خرید، هنری است. (تعمیمی)

- همه کتابهایی که حامد در کتابخانه اش گذاشته هنری است؛ پس فلان کتاب با جلد آبی در کتابخانه او، هنری است. (قیاس)

✓ **استقراء تعمیمی** در **علوم تجربی** استفاده می شود، برای تعمیم دادن.

یعنی از چندین بار آزمایش بر فلزات (جزء ها)، عقل می آید و حکم کلی صادر می کند و تعمیم می دهد و می گوید: همه (کل) فلزات، رسانا هستند.

✓ استقراء تعمیمی بر اساس «تخمین» بنا شده است و نتیجه یقینی ندارد.

✓ نتیجه استدلال استقرائی، همیشه کلی است.

✓ در استدلال استقرائی تعمیمی باید سه شرط را مد نظر داشت: ۱. نمونه ها متفاوت و تصادفی باشند. ۲. نمونه ها از طیف های مختلف آماری انتخاب شده باشند. ۳. تعداد نمونه ها نسبت به کل جامعه آماری، نسبت مناسبی داشته باشد.

✓ استدلال های استقرائی تعمیمی، بسته به میزان رعایت سه شرط فوق، می توانند قوی یا ضعیف باشند.

✓ اگر شرایط استقراء تعمیمی را رعایت نکنیم دچار مغالطه **تعمیم شتابزده** شده ایم؛ مثلا از تعداد اندکی درباره موضوعی خاص، مصاحبه بگیریم و بعد از دانستن مخالفت (یا موافقت) آنها اعلام کنیم که همه مردم با فلان موضوع مخالف (موافق) هستند.

✓ **بین جامعه آماری** با **نمونه آماری** تفاوت قائل شوید. ما جامعه آماری را از قصد، انتخاب می کنیم؛ اما نمونه آماری باید تصادفی و از طیف های مختلف باشد و نسبت مناسبی داشته باشد.

✓ اینکه جامعه آماری ما کوچک باشد، نتیجه قوی تر و بهتر است؛ اما نمونه آماری نباید کم تعداد باشد.

جزوه نکات تستی منطق دهم انسانی (ویراست ششم) - دکتر حمید رضا عبدلی

@h\_r\_abdoli کانال شخصی \*\* @dr\_abdoli\_test تدریس و اطلاع رسانی (ایتا و تلگرام)

✓ معمولا در استقراء تعمیمی، ما نمی توانیم تک تک افراد جامعه آماری مان را بررسی کنیم؛ مخصوصا اگر جامعه آماری مان بزرگ باشد.

✓ فرضیه های علمی، از استنتاج بهترین استفاده می کنند. (احتمالی هستند)

✓ استفاده از کلمات «مثل»، «مانند»، «شبيه» و غيره، دليل آن **نیست** که استدلال ما تمثیلی باشد.

✓ **تمثيل با استقراء تمثیلی** فرق دارد. تمثيل صرفا برای تشبيه و بیان شباهت است (برای تفهيم مطلب) و حکمی نمی دهد؛ اما در استقراء تمثیلی ما حکم یکی را به دیگری می دهيم و از استدلال می کنیم.  
**مثال تمثيل:** او مثل یک درخت پر میوه، سر به زیر است.

### مثال استدلال استقراء تمثیلی:

زمینی که بلند باشد، آب نمی خورد و فیض نمی برد.

انسانی هم که بلند (متکبر) باشد، محروم می ماند و فیض نمی برد.

✓ اگر استقراء تمثیلی در صدد اثبات مطلب نادرستی باشد و صرفا بر مشابَهت ظاهری تکیه کند، مغالطه **تمثيل ناروا** رخ می دهد.

✓ در استدلال استقراء تمثیلی، هرگز شباهت کامل وجود ندارد. (چه تمثيل روا و چه ناروا)

✓ برای **نقد** استدلال استقراء تمثیلی، چون از شباهت استفاده کرده، ما باید **تفاوت** را ذکر کنیم، اگر شباهت را ذکر کنیم، استدلال را تقویت کرده ایم.

✓ راه دیگر **نقد** استدلال استقراء تمثیلی، استفاده از یک استدلال تمثیلی مخالف است.  
مثال:

آب اگر یک جا بماند می گندد؛ پس: انسان هم اگر یکجا بماند و سفر نکند می گندد. (حتما باید سفر کرد)

**نقد از طریق بیان تفاوت:** انسان با آب فرق دارد؛ انسان دارای روح و روان است.

**نقد از طریق استدلال تمثیلی مخالف:**

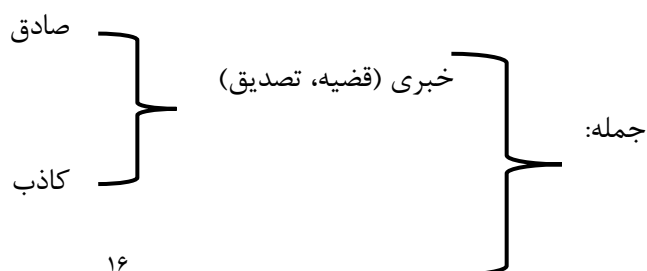
دریا اگر یکجا بماند نمی گندد؛ پس انسان هم اگر یکجا بماند، نمی گندد. (لزومی به سفر نیست)

✓ اینکه انسان ها خودشان (جزء) را با دیگران (جزء) مقایسه می کنند (**قیاس به نفس**) و حکم یکی را به دیگری می دهند، یک استقراء **تمثیلی** است.

✓ استدلال های تمثیلی در مجموع، استدلال های ضعیفی به شمار می روند.

## درس ششم: قضیه حملی

قضیه چیست؟ کدام جملات قابلیت صدق و کذب دارند؟



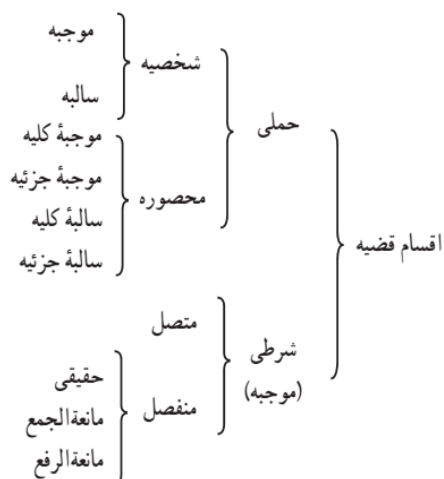


انشائی (امر و نهی و استفهام و آرزو) (قابلیت صدق و کذب ندارند)

**تعریف قضیه:** جملات معناداری که درباره چیزی خبر بدهند، و بتوان درباره صدق و کذب آنها سخن گفت.

**نکته تستی:** در منطق، جملات انشائی، مورد بررسی قرار نمی گیرند؛ چرا که قابلیت صدق و کذب ندارند و باعث خطای اندیشه نمی شوند. (در درس اول گفتیم که منطق قرار است به بررسی خطاهای اندیشه بپردازد).

حتما به نمای کلی اقسام قضیه توجه داشته باشید:



• **قضیه حملی:** در آن به ثبوت (معادل است) یا نفی (معادل نیست) چیزی حکم می شود؛ مثلا:

- برخی درختان میوه دارند. (حکم به ثبوت)

- برخی پرندگان، پرواز نمی کنند. (حکم به نفی)

• **قضیه شرطی:** در آن حکم به اتصال یا انفصال دو نسبت می شود. (حکم مشروط است)؛ مثلا:

- اگر دست به سیم دارای جریان بزنی، آنگاه برق تو را خواهد گرفت. (حکم به اتصال)

- ماهی ها یا تخم گذارند یا زندهزا. (حکم به انفصال)

(بحث تفصیلی از قضایای شرطی در درس نهم خواهد آمد)

❖ نکات تستی:

✓ به نهاد جمله در منطق، موضوع گفته می شود.

✓ به مسند جمله در منطق، محمول گفته می شود.

✓ به فعل ربطی (اسنادی) در منطق، رابطه گفته می شود.

مثلا: محسن دانشمند است.

موضوع محمول نسبت (رابطه)

✓ برای تشخیص موضوع و محمول قضایای حملی، حتما باید جملاتمان را به قالب کلی (الف ب است) تبدیل کنیم؛

همچنین حتما لازم است فعل جمله، اسنادی (ربطی) باشد: است، بود، شد، گشت و گردید.

اگر جملات ما این افعال نداشته باشند، آنها را تبدیل می کنیم؛ مثلا:

همه یک کیف دستی با خودشان آورده بودند.

تبدیل می شود به: هر کس آورنده یک کیف دستی با خود بود.

✓ ممکن است یک جمله به گونه‌ای نوشته شود که خودش به تنهایی دو تصدیق (قضیه) باشد؛ مثلاً در قضیه:  
مصطفی، دانش آموز و هنرمند است. منظور این است: «مصطفی دانش آموز است» و «مصطفی هنرمند است»؛  
یعنی ما دو تصدیق (با موضوع یکسان) داریم.

### ما دو نوع قضیه حملی داریم:

۱. محصوره: که موضوع آن مفهوم کلی است و ساختار آن به شکل زیر است:

اجزای قضیه محصوره			
هر / هیچ / بعضی	الف	ب	است / نیست
سور	موضوع	محمول	رابطه، نسبت
هر	گلی	زیبا	است
مثال:			

با در نظر گرفتن سورهای کلی و جزئی، و نیز نسبت است و نیست؛ ۴ مدل قضیه محصوره خواهیم داشت:

- موجه کلیه: هر الف ب است. مثال: هر کتابی خواندنی است.
  - موجه جزئی: بعضی الف ب است. مثال: برخی پرندگان زیبا هستند.
  - سالبه کلیه: هیچ الف ب نیست. مثال: هیچ تلاشی بی نتیجه نمی ماند.
  - سالبه جزئی: بعضی الف ب نیست. مثال: برخی دوستان، درک کافی ندارند.
- ✓ قیدی که بر سر قضا یا می آید و دامنه مصادیق موضوع را تعیین می کند، سور نام دارد. (هر و هیچ و بعضی)  
✓ است و نیست قضیه (سلب و ایجاب قضیه) نشان دهنده صدق و کذب نیست.

خدا وجود ندارد. (کاذب)      خدا جسم نیست. (صادق)

۲. قضیه شخصیه به قضیه‌ای گفته می شود که موضوع آن مفهوم جزئی باشد. (نگفتیم سور آن جزئی باشد)؛ مثلاً:  
میبد، یکی از تاریخی ترین شهرهای ایران است.

✓ نحوه تشخیص قضیه شخصیه: وقتی می گوئیم موضوع جزئی باشد؛ یعنی موضوع از اسامی خاص (افراد، اماکن، کتابها، سایت ها و ...) است یا با «این» و «آن» اشاره شده است.

✓ توجه: در بسیاری از موارد مستقیماً با «این» و «آن» اشاره نشده؛ بلکه موضوع، در مقام «این» و «آن» است؛ یعنی در قضیه شخصیه، محمول بر تک تک افراد موضوع، حمل نمی شود؛  
به موارد زیر توجه کنید:

کلاس دوازدهم انسانی، ۲۴ نفرند.      معنای این جمله این بوده: این کلاس، ۲۴ نفر است.

در جمله قبل، محمول یعنی (۲۴ نفر بودن) بر همه افراد موضوع حمل نمی شود؛ (مجموعه کلاس مد نظر است نه افراد آن)؛ یعنی نمی توان گفت: مریم ۲۴ نفر است، هلنا ۲۴ نفر است، فاطمه ۲۴ نفر است و ...

پس: جمله بالا یک قضیه «شخصیه» است.

اما به جمله مقابل نگاه کنید: کلاس دوازدهم انسانی، مهربان هستند؛

در جمله بالا افراد کلاس مد نظر است نه مجموعه؛ یعنی می توان گفت: مریم مهربان است، هلنا مهربان است و ... پس: جمله بالا یک قضیه «محصوره» است.

#### ✓ مثال های دیگری از قضیه شخصی:

- شیر بر عکس ریش می شود. یعنی این کلمه، بر عکس ریش می شود. (شخصیه)
  - کوه نقطه ندارد. یعنی این کلمه، نقطه ندارد. (شخصیه)
  - کلاس دهم انسانی، انتهای سالن است. یعنی آن کلاس، انتهای سالن است. (شخصیه)
- نکته تستی: لزومی ندارد که حتما کلمات بالا را در گیومه بگذارند تا ما تشخیص دهیم. (راه تشخیص، توجه به معنای عبارت است)
- حواریون عیسی، ۱۲ نفرند. (شخصیه) حواریون عیسی، مقدس بودند. (محصوره)
- نکته: جامعه، مجموع، مجموعه، ... موضوع واقع می شود، قضیه را شخصی می کنند؛ مثلا:
- جامعه ایران پیر است. یعنی این جامعه پیر است.
  - مجموعه اعداد فرد، غیر قابل شمارشند. یعنی این مجموعه، غیر قابل شمارش است.
- نکته: ضمائر در اول جمله، قضیه را شخصی می کنند؛ مثلا:
- شما پنج نفر با هم این تکلیف را انجام دادید. (شخصیه است)
  - او ظرف ها را شست. (شخصیه است)

#### ❖ نکته تستی مهم:

جزئی و کلی بودن سور با جزئی و کلی بودن موضوع فرق می کند. (جزئی و کلی هر دو اشتراک لفظ دارند و هر کدام دو معنای متفاوت دارند)

جزئی و کلی بودن سور، مربوط به مصادیق موضوع است و می گوئیم: سور «هر و هیچ»، کلی و سور «بعضی»، جزئی است. (بحث قضایا)

جزئی و کلی بودن موضوع، مربوط به مفهوم موضوع است. (بحث مفاهیم) آن چیزی که در درس سوم خواندیم. جزئی به اسم خاص اشاره دارد و کلی قابل صدق بر موارد متعدد است و ...

پس:

قضایا به دو دسته کلی و جزئی تقسیم می شوند. (بستگی دارد چه سوری داشته باشند) مفاهیم به دو دسته کلی و جزئی تقسیم می شوند. (بستگی دارد، مفهوم ما کلی باشد (مثلا درخت) یا جزئی باشد (مثلا سمیه))

می توان این طوری گفت:

جزئی به اشتراک لفظ دو معنا دارد: ۱. سور بعضی در قضایا ۲. مفهومی که به امر خاصی اشاره دارد.

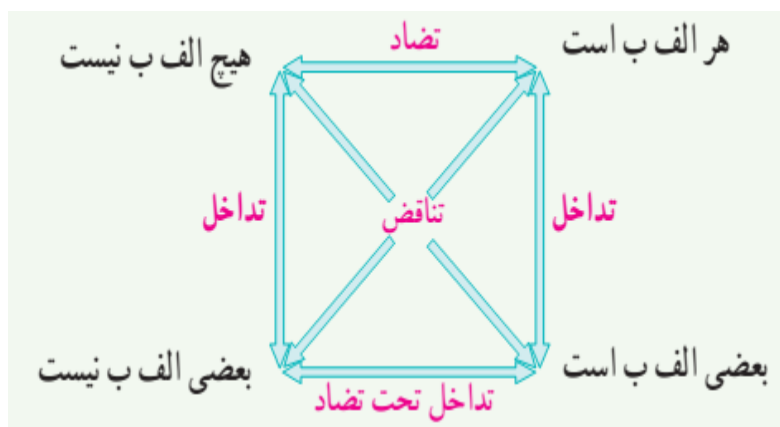
کلی به اشتراک لفظ دو معنا دارد: ۱. سور هر و هیچ در قضایا ۲. مفهوم قابل صدق بر موارد متعدد.

- ✓ در قضایای محصوره، جایی که نمی دانیم قضیه کلی یا جزئی است؛ ترجیحا جزئی می گیریم؛ مثلا:  
بچه ها آمدند. (حداقل این است که برخی بچه ها آمدند را منظور داریم)
- ✓ اما اگر یک قانون کلی وجود داشته باشد؛ می توان قضیه را کلی گرفت؛ مثلا:  
نمک طعام شور است. (هر نمکی شور است)
- ✓ اگر امر و نهی در قالب شرطی بیاید، قضیه شرطی است؛ زیرا حکم مشروط است و مستقیما امر یا نهی نشده است؛ مثلا:
  - برو از کتابفروشی صدرا، کتاب «تاریخ فلسفه یزد» را بخر. (امری است و قضیه نیست)
  - اگر کتابفروشی صدرا باز بود، کتاب «تاریخ فلسفه یزد» را بخر. (قضیه شرطی است)
  - مطلب، گر توانگری خواهی. (قضیه شرطی است)

✓ در زبان عرفی، **سورهای نامتعارف** وجود دارند که باید با توجه به معنا، آنها را تبدیل کرد؛ مثلا:

اغلب جوانان، جویای کارند.	یعنی	بعضی جوانان جویای کارند.
زاغکی قالب پنیری دید.	یعنی	بعضی زاغها قالب پنیر دیدند.
۹۹ درصد بیماری ها مسری اند.	یعنی	بعضی بیماری ها مسری اند.
حتی یک نفر توجه نکرد.	یعنی	هیچ کس توجه نکرد.
هرگز به دانش بی توجه نبودم.	یعنی	هیچ وقت بی توجه به دانش نبودم.
کل (همه) دوستان من فرهیخته اند. یعنی		هر دوست من فرهیخته است.

## درس هفتم: احکام قضایا



**تذکر:** اگر مربع تقابل حفظتان نباشد، نمی توانید تست های مرتبط با آن را بزنید.  
نخست مربع تقابل و روابط بین هر یک را مرور کنید:

### ❖ نکات تستی:

- ✓ در رابطه تضاد، فقط کیفیت تغییر می کند. (البته هر دو قضیه سور کلی دارند)
- ✓ در رابطه تداخل فقط کمیت تغییر می کند.
- ✓ در رابطه تناقض، هم کیفیت و هم کمیت تغییر می کند. (برای آنکه یادمان بماند، به شوخی می گوئیم رابطه تناقض «لج باز» است؛ یعنی هم کمیت و هم کیفیت را تغییر می دهد)
- ✓ در رابطه تداخل تحت تضاد، فقط کیفیت تغییر می کند. (البته هر دو قضیه سور جزئی دارند)

❖ راه ساده تشخیص صدق و کذب احکام قضایا:

✓ **مهم: نخستین اصل مهم تستی برای صدق و کذب:** فقط به فرمول توجه کنید، به هیچ عنوان وارد محتوا (ماده) قضایا نشوید. مطابق فرمول های زیر محاسبه کنید. کار منطق، بررسی قوانین و قواعد است و ماده مربوط به علوم دیگر. (در تست ها هم باید داستان های زیر را به ذهن بیاورید)



### ❖ تناقض:

صدق و کذب تناقض مثل الاکلنگ می ماند.

نمی شود هر دو طرف الاکلنگ به سمت بالا یا هر دو طرف به سمت پایین باشد. پس اگر یک طرف بالا بود، طرف دیگر پایین است و بالعکس.

دو طرف دو قضیه متناقض هم همین طورند. نمی شود دو طرف صادق یا دو طرف کاذب شوند؛ یعنی فقط یک طرف صادق و یک طرف کاذب است.

**پس: از اینکه یک طرف صادق است می فهمیم طرف دیگر کاذب است و از اینکه یک طرف کاذب است، می فهمیم طرف دیگر صادق است.**



**نکته تستی:** اینجا هم می توانیم بگوییم رابطه تناقض «لج باز» است؛ یعنی وقتی ما می - گوئیم این طرف «صادق» است، او می گوید: پس طرف دیگر «کاذب» و بالعکس.

**مثال:** اگر قضیه «هر انسانی شایسته احترام است» صادق باشد، قضیه «برخی انسان ها شایسته احترام نیستند»، کاذب خواهد بود.

**یا مثلاً:** اگر قضیه «هیچ فلزی مایع نیست» کاذب باشد؛ قضیه «برخی فلزات مایع هستند»، صادق است.

➤ **تعبیر فنی منطقی:** دو قضیه متناقض، هر دو با هم صادق نمی شوند؛ همچنین هر دو با هم کاذب

نمی شوند. (نه هر دو و نه هیچکدام) (جمع در صدق و جمع در کذب، محال است). همچنین: (رفع در

صدق و رفع در کذب، محال است).

در کتاب فلسفه دوازدهم می گوئیم: «اجتماع و ارتفاع نقیضین محال است»

### ❖ تضاد:

فرض بگیرید دو نفر به نام های **فاطمه و زهرا** با هم **قهرند** و هرگز در یک مجلس جمع نمی شوند. اکنون اگر همزمان هر دو دعوت به عروسی بشوند:

اگر فاطمه به عروسی بیاید (صادق)، زهراء نمی آید (کاذب)

اگر زهرا به عروسی بیاید (صادق)، فاطمه نمی آید (کاذب)

- یعنی هر دو در صدق، جمع نمی شوند.

اما:

اگر فاطمه به عروسی نیاید (کاذب)، معلوم نیست زهرا بیاید یا نیاید. (نمی دانیم) (؟؟)

اگر زهرا به عروسی نیاید (کاذب)، معلوم نیست فاطمه بیاید یا نیاید. (نمی دانیم) (؟؟)

- یعنی شاید هر دو در صدق، رفع شوند.

### رابطه تضاد هم همینطور است!



پس: از اینکه یک طرف صادق است، می فهمیم طرف دیگر کاذب است؛ ولی نه برعکس.

مثال: اگر قضیه «هیچ فلزی نارسانا نیست» صادق باشد، قضیه «هر فلزی نارسانا است» کاذب خواهد بود.

اگر قضیه «هیچ م ن نیست» کاذب باشد، درباره صدق و کذب «هر م ن است» نمی توان نظری داد.

➤ **تعبیر فنی منطقی:** دو قضیه متضاد، هر دو با هم صادق نمی شود؛ اما ممکن است هر دو با هم کاذب شوند. (نه هر دو؛ شاید هیچکدام) (جمع در صدق، محال و جمع در کذب، ممکن است).

❖ **تداخل تحت تضاد:** (این مبحث ستاره دار کتاب است؛ اما به جهت فایده آن در حل برخی تست ها، آن را بیان کردیم)

فرض بگیرید دو نفر به نام های **علی و محمد** مسئول نگهداری یک دکل تعیین شده اند و مطابق دستورالعمل، هرگز نباید دکل را خالی بگذارند. اکنون:

اگر ببینیم که علی در خوابگاه مشغول استراحت است و در دکل نیست (کاذب)؛ قطعاً محمد در دکل است. (صادق)

اگر ببینیم که محمد در خوابگاه مشغول استراحت است و در دکل نیست (کاذب)؛ قطعاً علی در دکل است. (صادق)

اما

اگر بدانیم که علی در دکل هست (ص)، این احتمال دارد، محمد هم آنجا باشد یا نباشد؛ یعنی نمی توانیم نظر قطعی بدهیم. (نامعلوم) (؟؟)

اگر بدانیم که محمد در دکل هست (ص)، این احتمال دارد، علی هم آنجا باشد یا نباشد؛ یعنی نمی توانیم نظر قطعی بدهیم. (نامعلوم) (؟؟)

- یعنی شاید هر دو در دکل جمع شوند؛ اما محال است هیچکدام در آنجا نباشند.

(ممکن است هر دو صادق شوند، اما محال است هر دو کاذب شوند)

### رابطه تداخل تحت تضاد هم همینطور است!



پس: از اینکه یک طرف کاذب است، می فهمیم طرف دیگر صادق است؛ ولی نه برعکس.

مثال: اگر قضیه «برخی انسانها ناطق نیستند» کاذب باشد؛ قضیه «برخی انسانها ناطق هستند» صادق خواهد بود.

جزوه نکات تستی منطق دهم انسانی (ویراست ششم) - دکتر حمید رضا عبدلی

@h\_r\_abdoli کانال شخصی \*\* @dr\_abdoli\_test تدریس و اطلاع رسانی (ایتا و تلگرام)

اگر قضیه «برخی د ج است» صادق باشد؛ نمی‌توان درباره صدق و کذب قضیه «برخی د ج نیست» نظر قطعی داد.

➤ **تعبیر فنی منطقی:** دو قضیه متداخل تحت تضاد، هر دو با هم کاذب نمی‌شود؛ اما ممکن است هر دو با هم صادق شوند. (نه هیچکدام؛ اما شاید هر دو) (جمع در صدق، ممکن و جمع در کذب، محال است).

#### ❖ تداخل:

- در رابطه تداخل، اگر قضیه‌های کلی ما صادق باشند، می‌توانیم بفهمیم که حتما جزئی‌ها هم صادق هستند ولی نه برعکس؛

مثلا از اینکه بدانیم همه نمرات حمید بیست است (صادق)؛ می‌توانیم قطعا بگوییم نمره فلسفه او هم بیست است. (ص)

اما اگر بدانیم که نمره فلسفه او بیست است (صادق)؛ نمی‌توانیم با قطعیت بگوییم که تمامی نمرات او بیست است. (نامعلوم) (؟؟)

- همچنین؛ در رابطه تداخل، اگر قضیه‌های جزئی ما کاذب باشند، می‌توانیم بفهمیم که حتما کلی‌ها هم کاذب هستند ولی نه برعکس؛

مثلا اگر کسی دروغ بگوید که نمره فلسفه مریم بیست است (کاذب)؛ قطعا می‌توان فهمید که «همه نمرات مریم بیست است» هم قضیه دروغی است. (کاذب)

اما اگر کسی دروغ بگوید که «همه نمرات مریم بیست است» (کاذب)؛ نمی‌توان به طور قطعی درباره قضیه «نمره فلسفه (برخی نمرات) مریم بیست است» نظر داد. (نامعلوم) (؟؟)



پس در تداخل:

از صدق کلی به صدق جزئی پی می‌بریم و نه برعکس؛

از کذب جزئی به کذب کلی پی می‌بریم و نه برعکس.

➤ **تعبیر فنی منطقی:** دو قضیه متداخل، به گونه‌ای هستند که ممکن است هر دو با هم صادق یا هر دو با هم کاذب شوند. (جمع در صدق، و جمع در کذب، ممکن است).

#### ❖ نکات تستی کلی:

- ✓ برای تشخیص صدق و کذب قضایا در تست، داستان‌هایی که بیان شد، را به خاطر بیاورید.
- ✓ در سطح کتاب درسی شما، معمولا وقتی گفته می‌شود، فلان قضیه کاذب است و شما می‌خواهید یک قضیه صادق از آن استخراج کنید، نخستین کار، پیدا کردن تناقض آن است.
- ✓ **مجددا تکرار می‌کنم**، برای تشخیص صدق و کذب، فقط از طریق فرمول و قوانین وارد عمل شوید، محتوا را بررسی نکنید.
- ✓ اگر کسی حکم کلی غلط بدهد، می‌توانید برای باطل کردن سخن او یک مورد نقض (مثال نقض) بیاورید. مثال: برای باطل کردن این سخن که «هر دردی درمان دارد»، به یک بیماری لاعلاج اشاره کنید.

جزوه نکات تستی منطق دهم انسانی (ویراست ششم) - دکتر حمید رضا عبدلی

@h\_r\_abdoli کانال شخصی \*\* @dr\_abdoli\_test تدریس و اطلاع رسانی (ایتا و تلگرام)

✓ مغالطه استثنای قابل چشم پوشی؛ یعنی کسی حکمی کلی صادر کند، و شما یک مثال نقض برای او بیاورید و با این کار حکم او را بی اعتبار کنید؛ ولی او همچنان بر کلی بودن حکم خود اصرار داشته باشد.

مثلا:

اگر کسی بگوید «هیچ فلزی مایع نیست» و شما به او بگویید «جیوه فلزی مایع است» و او بگوید: این یک استثناست! و بر کلی بودن سخنش اصرار کند؛ آن شخص دچار مغالطه «استثنای قابل چشم پوشی» شده است.

✓ در کتاب این مغالطه در ذیل بحث «تداخل» مطرح شده است؛ اما وقتی به شما بگویند، در چه صورتی ما دچار «استثنای قابل چشم پوشی» می شویم، شما باید «تناقض» قضیه مفروض را بسازید؛ مثلا:

- سوال: با دانستن «بعضی الف ب است»، در صورت ارائه کدام قضیه، دچار استثنای قابل چشم پوشی می شویم؟
- جواب: «هیچ الف ب نیست»

عکس مستوی (ب الف)	اصل (الف ب)
بعضی ب الف است.	هر الف ب است.
بعضی ب الف است.	بعضی الف ب است.
هیچ ب الف نیست.	هیچ الف ب نیست.
(عکس لازم الصدق ندارد)	بعضی الف ب نیست.

#### ❖ رابطه عکس مستوی:

- در عکس مستوی، جای موضوع و محمول عوض می شود.
- این جدول عکس مستوی را به خاطر داشته باشید:

#### ❖ نکات تستی:

✓ در سطح کتاب درسی شما، عکس مستوی همیشه از صدق به صدق می رسد. (یعنی از صادق بودن قضیه اصلی به صادق بودن عکس آن دست می یابیم.)

✓ برای اینکه قانون عکس را فراموش نکنید به کلمه «عکس مستوی» توجه کنید؛ گفته اند عکس مستوی: عکس: یعنی جای موضوع و محمول عوض شده، مستوی: یعنی دو طرف قضیه در صدقشان، مساوی هستند.

✓ اینکه سالبه جزئی عکس لازم الصدق ندارد، یعنی چه؟

یعنی عکس قضیه، گاهی درست (صادق) و گاهی نادرست (کاذب)، می شود؛ مثلا:

بعضی انسان ها سنگ نیستند (ص) عکس: بعضی سنگ ها انسان نیستند. (ص)

بعضی انسان ها شاعر نیستند (ص) عکس: بعضی شاعرها انسان نیستند (ک)

✓ عکس لازم الصدق یعنی عکسی که همیشه صادق باشد.

#### ❖ نکات تستی ایهام انعکاس:

✓ ایهام انعکاس زمانی رخ می دهد که قواعد عکس به درستی رعایت نشوند؛ این اتفاق در سه جا رخ می دهد:

○ ۱. موجه کلیه را به موجه کلیه عکس کنیم؛ مثلا:

هر عسلی شیرین است عکس کنیم به هر شیرینی عسل است.



جزوه نکات تستی منطق دهم انسانی (ویراست ششم) - دکتر حمید رضا عبدلی

@h\_r\_abdoli کانال شخصی \*\* @dr\_abdoli\_test تدریس و اطلاع رسانی (ایتا و تلگرام)

○ ۲. موجه جزئی را به موجه کلیه عکس کنیم؛ مثلا:

بعضی از انسان های خوشبخت فلان ماشین دارند.

عکس کنیم به: هر کس فلان ماشین دارد خوشبخت است.

○ ۳. برای سالبه جزئی عکس در نظر بگیریم. (که مثال آن در بالا زدیم).

✓ توجه داشته باشید در تست هایی که به شما می دهند، فقط فرمول و قاعده منطقی را بررسی کنید؛ همانطور که قبلا تذکر دادیم، بررسی محتوا کار منطق نیست. بنابراین اگر از قضیه «برخی از ثروتمندان متکبر نیستند»، نتیجه بگیریم که «برخی از متکبران ثروتمند نیستند»، مغالطه ایهام انعکاس رخ داده و ما کاری به محتوای آن نخواهیم داشت.

✓ چند نمونه ایهام انعکاس

- هر کتاب روانشناسی بحث هوش دارد. پس: هر کس از بحث هوش صحبت کند، از کتاب روانشناسی گرفته است.  
پس این آقا هم از کتاب روانشناسی گرفته است.

- از قیافه اش پیداست که هنرمند است. این یعنی:

بعضی هنرمندان موی بلند دارند. عکس مستوی شده: هر کس موی بلند دارد، هنرمند است.

و نتیجه گرفته که: پس فلانی که موی بلند دارد، هنرمند است.

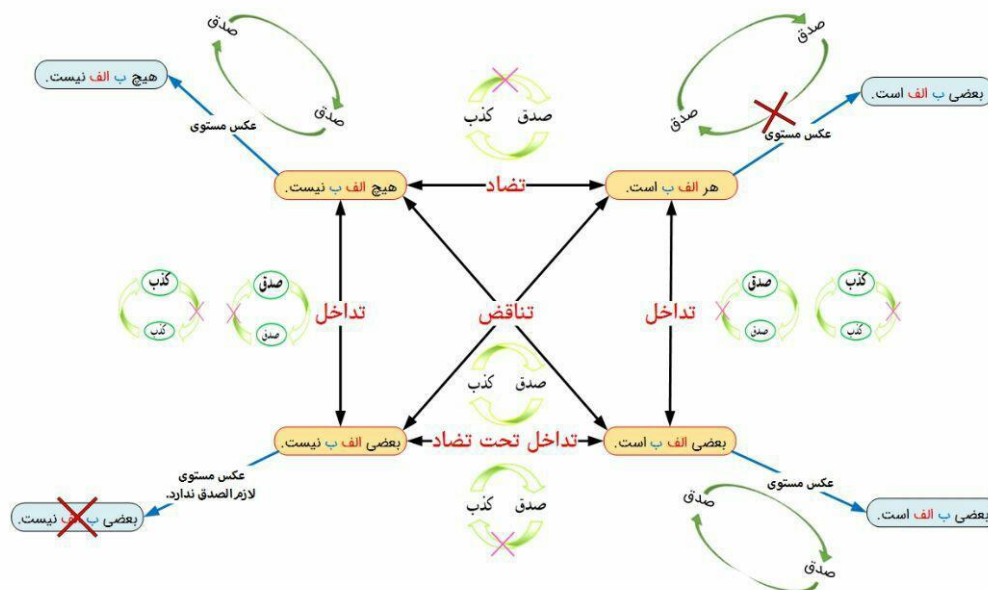
✓ چرا در عکس مستوی سالبه کلیه، ایهام انعکاس رخ نمی دهد؟

هیچ الف ب نیست. (صادق) عکس مستوی: هیچ ب الف نیست. (صادق)

حال اگر کسی به اشتباه بگوید، عکس آن «بعضی ب الف نیست»، می شود؛ این اشکالی پیش نمی آورد؛ چون قضیه «بعضی ب الف نیست»، تداخل قضیه «هیچ ب الف نیست» است و طبق قواعد منطق (بحث تداخل)، می توان از صدق کلی به صدق جزئی رسید.

درس هفت در یک تصویر:

## مربع تقابل و روابط بین قضایای حملی محصوره (مربوط به کتاب منطق سال دهم دبیرستان، رشته‌ی علوم انسانی)



## درس هشتم: قیاس اقترانی

### ❖ قیاس اقترانی:

- بر اساس آنچه در این کتاب آموزش داده شده، قیاسی که از دو مقدمه (قضیه) حملی تشکیل می‌شود، قیاس اقترانی می‌گویند.
- دو مقدمه حملی، چیز مشترکی دارند که آن دو قضیه را به هم نزدیک می‌کند (قرین هم می‌کند) که به آن **حد وسط** می‌گویند؛ یعنی موضوع و محمول یکی از قضایا، با موضوع یا محمول قضیه دیگر، مشترک است. برای همین اگر دو قضیه «حد وسط» نداشته باشند، با آنها قیاسی تشکیل نمی‌شود؛ مثلاً:  
مقدمه اول: برخی انسانها خوش آوازند.  
مقدمه دوم: هر پرنده ای تخم گذار است.  
∴ ..... (از دو مقدمه فوق نتیجه‌ای حاصل نمی‌شود؛ چون حد وسط ندارد).
- در قیاس اقترانی نتیجه در مقدمات پخش شده است؛ مثلاً:  
برخی اشعار غزل هستند.  
هر غزلی، دل انگیز است.  
∴ برخی اشعار، دل انگیز هستند.
- قیاس اقترانی چهار شکل دارد که ملاک تشخیص شکل ها، توجه به جایگاه حد وسط است.

### ❖ اشکال قیاس اقترانی:

(شکل اول)	(شکل دوم)	(شکل سوم)	(شکل چهارم)
الف ب — ب ج —	الف ب — ب ج —	الف ب — ب ج —	الف ب — ب ج —
(مقدمه اول)	(مقدمه دوم)		
نتیجه) .: الف ج — .: الف ج — .: الف ج — .: الف ج —			

### ❖ نکات تستی:

✓ حد وسط قیاس در نتیجه حذف می‌شود؛ پس اگر مثلاً در تستی به شما گفته شود: قضیه «هر م ن است» نتیجه یک قیاس است. شما بالفور باید بفهمید که «م» و «ن» به هیچ عنوان نمی‌توانند، حد وسط باشند؛ چون حد وسط از قبل، حذف شده است.

✓ نکته تستی مهم درباره شکل اول و چهارم:

✓ سوال: بگویید قیاس زیر شکل چندم است؟

- هر انسانی فانی است. - سقراط انسان است. .: سقراط فانی است.

**جواب:** برای تشخیص شکل‌ها، لازم است به نتیجه توجه کنیم؛ موضوع نتیجه مال مقدمه اول و محمول آن مال مقدمه دوم است؛ پس در قیاس فوق از هر جا کلمه سقراط را گرفته‌ایم، آن مقدمه اول خواهد بود. یعنی اگر دقت کنیم، جمله دوم، مقدمه اول قیاس است و جمله اول مقدمه دوم قیاس است.

مطابق آنچه گفتیم، نویسنده جای مقدمات را عوض کرده است؛ پس قیاس فوق، شکل اول است نه چهارم!

### ❖ تکرار حد وسط:

✓ چون حد وسط، دو مقدمه قیاس را به هم متصل و مرتبط می‌کند، حتماً باید هم به طور لفظی (ظاهری) و هم به طور معنایی (محتوایی) تکرار شود. اگر حد وسط قیاس تکرار نشود، دچار مغالطه **عدم تکرار حد وسط** شده‌ایم؛ مثلاً:

م ۱: الف مساوی ب است م ۲: ب مساوی ج است. .: پس: الف مساوی ج است.

(مغالطه عدم تکرار حد وسط به طور لفظی)

م ۱: سعادت غایت زندگی انسان است م ۲: غایت زندگی انسان، همان مرگ است.

.: پس: سعادت همان مرگ است.

(مغالطه عدم تکرار حد وسط به طور معنایی)؛ چون غایت در دو مقدمه دو معنای متفاوت دارد: در جمله اول به معنای مقصود و انگیزه است و در جمله دوم به معنای مقصد، پایان و نهایت.

مثال دیگر:

م ۱: اسب حیوان است. م ۲: حیوان پنج حرف دارد. : پس: اسب پنج حرف دارد.

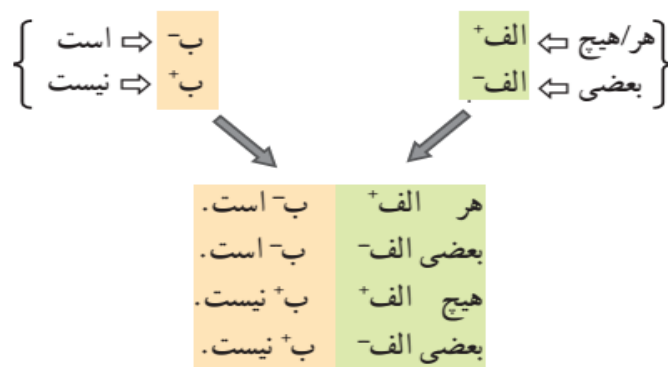
(مغالطه عدم تکرار حد وسط به طور محتوایی)؛ چون حیوان در مقدمه اول مربوط به عالم خارج (مصدق) است و حیوان در مقدمه دوم مربوط به حیطه لفظ (زبان).

### ❖ نکته تستی:

- ✓ اشتراک لفظ و توسل به معنای ظاهری می‌توانند مغالطه عدم تکرار حد وسط (به نحو محتوایی) ایجاد کنند.
- ✓ وقتی تستی از شما می‌خواهد شرایط حد وسط را بررسی کنید، هم به تکرار حد وسط توجه کنید و هم دامنه مصادیق آن را بررسی کنید. (+ و - را تعیین کنید). دامنه مصادیق را الآن توضیح می‌دهم.

### ❖ دامنه مصادیق:

- هر جا گفتند دامنه مصادیق موضوع یا محمول را تعیین کن؛ یعنی بر اساس قاعده، + و - بودن موضوع و محمول را مشخص کن.
- + بودن معادل همه مصادیق است و - بودن معادل برخی مصادیق است.
- قاعده این است:



### ❖ نکات تستی:

- ✓ توجه کنیم وقتی نسبت (کیفیت) قضیه، «نیست» است؛ یعنی علامت + برای محمول و وقتی «است» است، یعنی علامت - برای محمول. (معمولا دانش آموزان اینجا را برعکس محاسبه می‌کنند)
- ✓ سور (کمیت) به دامنه مصادیق موضوع مربوط است. اگر «کلی» (هر و هیچ) باشد، موضوع + و اگر «جزئی» (بعضی) باشد، موضوع علامت - می‌گیرد.  
مثال برای هر چهار نمونه قضیه محصوره:  
هر گیاهی + جسم - است.  
بعضی گیاهان - دانه دار - هستند.  
هیچ گیاهی + بی فایده برای طبیعت + نیست.  
بعضی گیاهان - خوشبو + نیستند.
- ✓ اگر قضیه ما مشخصه باشد، موضوع آن علامت + می‌گیرد، چون به چیز مشخصی اشاره می‌شود. (معادل همه‌ی آن چیز است) و محمول آن مطابق قانون قبل محاسبه می‌شود.  
مثال: ابراهیم + در ادیان سامی به عنوان پدر ایمان شناخته - می‌شود.

تیم ملی جوانان ایران + بازی را + نبرد. (تیم ملی جوانان ایران + برنده بازی + نبود).

### ❖ محاسبه سریع اعتبار قیاس در حل تست:

در کنکور قرار است تست بزیند، و باید مسیری طی کنید که سریع تر به مقصد برسید. گاهی این روش باعث می شود، در هنگام حل تست، برخی گزینه ها را از همان اول، رد کنید. مسیر پیشنهادی و سریع تر بنده، به ترتیب زیر است؛ (دقت کنید، به ترتیب):

- توجه به قانون نتیجه قیاس: اگر قانون نتیجه قیاس رعایت نشده باشد، قیاس نامعتبر است. یعنی اگر حتی یکی از قضایا «نیست» (سالبه) بود، نتیجه قیاس باید «نیست» (سالبه) باشد. (گاهی دانش آموز، وقت می گذارد و محاسباتش را انجام می دهد و فکر می کند قیاس معتبر است؛ در حالی که بررسی قانون نتیجه قیاس را فراموش کرده و قیاس نامعتبر است.)
- حد وسط قیاس، تکرار شده باشد: هم لفظی و هم محتوایی؛ اگر رعایت نشده باشد، نامعتبر است.
  ۱. قیاس با دو مقدمه سالبه (نیست) نامعتبر است. (حتما باید یکی از مقدمات موجب (است) باشد.)
  ۲. اگر حد وسط در هر دو مقدمه قیاس منفی (-) باشد نامعتبر است. (یک حد وسط با علامت + کافیسست).
  ۳. اگر موضوع و محمول نتیجه مثبت (+) است، در مقدمات هم مثبت (+) باشد. (اگر در مقدمات منفی بود، نامعتبر است)

تذکر بسیار مهم: آنچه در نتیجه، - (منفی) شده، را هرگز بررسی نمی کنیم.

\* اگر قیاس ما، همه مراحل فوق را پشت سر گذاشت، معتبر است.

### ❖ نکته تستی:

- ✓ برای رد گزینه، می توان از این قاعده نیز استفاده کرد: دو قضیه جزئی (بعضی) نامعتبر است.
- ✓ در این درس هم مثل درس هفت، تاکید می کنم، فقط به فرمول و قوانین توجه کنید و اصلا نباید ماده (محتوای) قیاس را بررسی کنید.
- ✓ نکته تستی فراتر از کتاب: اگر یکی از مقدمه ها، کلی و دیگری جزئی است؛ نتیجه باید جزئی باشد.
- ✓ سوال مهم: آیا اشکالی دارد بین دو مقدمه کلی، نتیجه جزئی بگیریم؟

جواب: خیر؛ به مثال زیر دقت کنید:

م ۱: هر الف ب است. م ۲: هر ب ج است. ∴ هر الف ج است.

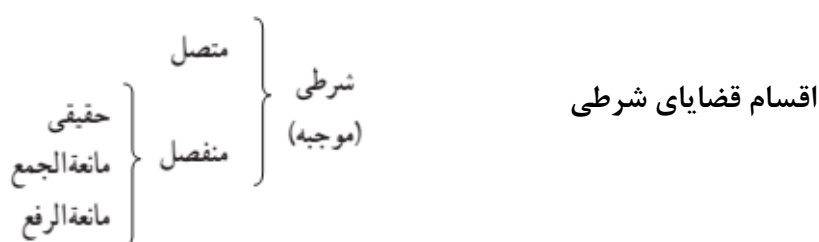
∴ بعضی الف ج است.

قیاس فوق با هر دو نتیجه ای که گرفتیم، معتبر است. می دانیم که اگر نتیجه «هر الف ج است»، صادق باشد، می توان مطابق قاعده تداخل، از صدق کلی به جزئی رسید و گفت: «بعضی الف ج است» هم صادق است و اشکالی ندارد، این قضیه را به عنوان نتیجه نوشت.

## درس نهم: قضیه شرطی و قیاس استثنایی

### ❖ قضیه شرطی

- قضیه شرطی قضیه‌ای است که به اتصال یا انفصال میان دو نسبت حکم می‌شود. (به عبارت دیگر، حکم مشروط است)
  - منظور از اتصال، قضایایی است که ساختار کلی آن «اگر .....، آنگاه.....» است؛ مثلاً گفته می‌شود: اگر ورزش کنی، آنگاه سلامت جسمانی بهتری خواهی داشت. در این مثال سلامت جسمانی بهتر داشتن، مشروط شده به ورزش کردن.
  - منظور از انفصال، قضایایی است که ساختار کلی آن «یا ..... یا .....» است؛ مثلاً گفته می‌شود: دو خط یا موازی اند یا متقاطع. در این مثال موازی بودن دو خط، مشروط است به متقاطع نبودن آن دو، و بالعکس.



### شرطی متصل:

قضایای شرطی متصل دارای دو جزء هستند: مقدم و تالی (که از روی معنا، تشخیص می‌دهند)؛ مثلاً:

اگر باران به کوهستان نبارد      به سالی دجله گردد، خشک رودی

مقدم      تالی

### ❖ نکات تستی:

- ✓ تفاوت حمله و شرطی در **مشروط بودن** حکم است.
- ✓ ممکن است جای مقدم و تالی، عوض شود؛ به ویژه در گفتگوهای روزانه.
- مثلاً: تکالیفم را انجام می‌دهم، اگر فرصت پیدا کنم.
- ✓ ممکن است به جای اگر و آنگاه از واژه‌های دیگری استفاده شود؛ مثلاً کسی بگوید: در صورتی که، گر، زمانی که، هنگامی که، ....
- مثلاً: در صورتیکه دارویی را بیش از حد مصرف کنی، بدن تو دیگر به آن دارو واکنش نشان نمی‌دهد.
- ✓ ممکن است اگر و آنگاه در جمله ما حذف شده باشد؛ ولی معنای آن باقی باشد.
- مثلاً: توانا بود، هر که دانا بود      دقیقش این بوده: اگر کسی دانا باشد (مقدم)؛ آنگاه او تواناست. (تالی)
- ✓ ملاک تعیین مقدم و تالی، توجه به **معنا** است. (مقدم به لحاظ **معنا** مقدم است و **معنای «اگر»** را می‌دهد)

### ❖ تشخیص اقسام منفصله و رابطه آنها با مربع تقابل:

### منفصل حقیقی:

- ✓ **منفصل حقیقی**؛ قضیه‌ای شرطی است که دو طرف آن همزمان صادق و هم زمان کاذب نیستند. بهترین روش تشخیص تستی آن توجه به عبارت **(نه هر دو، و نه هیچکدام)** است؛ مثلاً: این عدد طبیعی یا فرد یا زوج است.

جزوه نکات تستی منطق دهم انسانی (ویراست ششم) - دکتر حمید رضا عبدلی

@h\_r\_abdoli کانال شخصی \*\* @dr\_abdoli\_test تدریس و اطلاع رسانی (ایتا و تلگرام)

**توضیح** اینکه امکان ندارد که یک عدد طبیعی هم زوج باشد و هم فرد (نه هر دو)؛ همچنین امکان ندارد نه زوج باشد و نه فرد. (نه هیچکدام) پس عبارت (نه هر دو و نه هیچکدام) بر آن صدق می‌کند.

#### چند مثال دیگر:

- هم اکنون یا شب است یا روز.
- امسال یا سال کبیسه است یا عادی.
- دانش (علم) یا تصور است یا تصدیق.
- دو خط در یک صفحه، نسبت به یکدیگر یا متقاطعند یا موازی.
- رمضان امسال یا سی روز است یا سی روز نیست.

#### ❖ نکات تستی

- ✓ قضیه منفصل حقیقی به لحاظ صدق و کذب، معادل است با رابطه **تناقض** در مربع تقابل. (الاکلنگ)
- ✓ تعبیر (غیر قابل جمع در صدق و کذب)، معادل قضیه منفصل حقیقی است.
- ✓ هر جا تقسیم‌بندی ما فقط دو حالت داشته باشد و هیچ حالت بیشتری نپذیرد، قضیه منفصله‌ای که از آن حاصل می‌شود، حقیقی است. (متقاطع و موازی) (زوج یا فرد برای اعداد طبیعی) (شب و روز)
- ✓ هر جا یک کلمه بیاید و با غیر همان کلمه سنجیده شود (به علاوه کلمه غیر، نا...): قضیه منفصله تشکیل شده، حقیقی است. (سفید یا غیرسفید) (بینا یا نابینا) (دوشنبه یا غیردوشنبه)

#### منفصل مانعه الجمع:

- ✓ **منفصل مانعه الجمع**؛ قضیه‌ای شرطی است که دو طرف آن همزمان صادق نیستند؛ اما ممکن است همزمان دو طرف آن کاذب باشد. بهترین روش تشخیص تستی آن توجه به عبارت (نه هر دو، ولی شاید هیچکدام) است؛ مثلا: هر جسمی در یک زمان مشخص یا جامد است یا مایع.
- توضیح** اینکه امکان ندارد که یک جسم در یک زمان مشخص هم جامد باشد، هم مایع (نه هر دو)؛ اما ممکن است هیچکدام نباشد؛ یعنی مثلا گاز باشد. (شاید هیچکدام). پس عبارت (نه هر دو، ولی شاید هیچکدام) بر آن صدق می‌کند.

#### چند مثال دیگر:

- آن حیوان یا ببر است یا پلنگ.
- امروز یا هشتم خرداد ماه است یا نهم خرداد ماه.
- آن خانم یا طیبه است یا انسیه.

#### ❖ نکات تستی

- ✓ قضیه منفصل مانعه الجمع به لحاظ صدق و کذب، معادل است با رابطه **تضاد** در مربع تقابل. (شبهه قهر بودن فاطمه و زهرا در بحث تضاد)
- ✓ تعبیر (غیر قابل جمع در صدق) یا (قابل جمع در کذب)، معادل قضیه منفصل مانعه الجمع است.

جزوه نکات تستی منطق دهم انسانی (ویراست ششم) - دکتر حمید رضا عبدلی

@h\_r\_abdoli کانال شخصی \*\* @dr\_abdoli\_test تدریس و اطلاع رسانی (ایتا و تلگرام)

✓ **منفصل مانعه الرفع**؛ قضیه‌ای شرطی است که دو طرف آن همزمان کاذب نیستند؛ اما ممکن

است همزمان دو طرف آن صادق باشد. بهترین روش تشخیص تستی آن توجه به عبارت (نه هیچکدام، ولی شاید هر دو) است؛ مثلا: در تصادف رخ داده بین پراید و پژو، یا پراید مقصر است یا پژو.

**توضیح** اینکه امکان ندارد که هیچ کدام از پراید و پژو مقصر نباشند (نه هیچکدام)؛ اما این امکان وجود دارد که هر دو بی احتیاطی کرده و به نوعی در تصادف مقصر باشند. (شاید هر دو). پس عبارت (نه هیچکدام، ولی شاید هر دو) بر آن صدق می کند.

**چند مثال دیگر:**

- ماه یا به دور خورشید می گردد یا به دور زمین.
- هر موجودی یا جاندار است یا دارای احساس.
- جسم یا رساناست یا غیر فلز.
- برای نزدیک تر شدن فاصله من و حسین؛ یا باید من فاصله ام را کم کنم یا حسین.

❖ **نکات تستی**

✓ قضیه منفصل مانعه الرفع به لحاظ صدق و کذب، معادل است با رابطه **تداخل تحت تضاد** در مربع تقابل.

(شبهه آن مثالی که در آن علی و محمد به عنوان نگرهبان تعیین شده بودند)

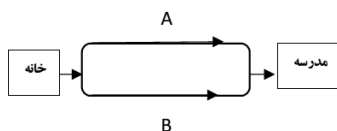
✓ تعبیر (غیر قابل جمع در کذب) یا (قابل جمع در صدق)، معادل قضیه منفصل مانعه الرفع است.

**چند مثال عینی برای درک بهتر مطلب:**

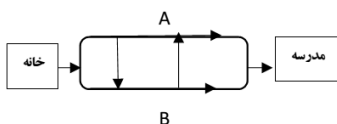
**سوال:** نوع قضایای شرطی منفصل را در شکل‌های زیر تعیین کنید.

نوع قضایای منفصله زیر را مشخص کنید.

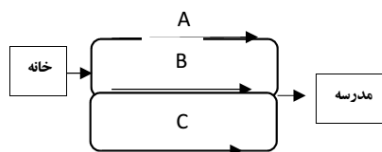
۱- مطابق شکل زیر، مجید یا از جاده A به مدرسه آمده یا از جاده B.



۲- مطابق شکل زیر، مجید یا از جاده A به مدرسه آمده یا از جاده B



۳- مطابق شکل زیر، مجید یا از جاده A به مدرسه آمده یا از جاده B



**پاسخ:**



✓ در شکل (۱) مجید نه می‌تواند از هر دو مسیر آمده باشد و نه از هیچ کدام از مسیرها، (نه هر دو و نه هیچکدام)؛ پس قضیه (۱)، منفصل حقیقی است.

✓ در شکل (۲) مجید ممکن است از هر دو مسیر آمده باشد، اما امکان ندارد از هیچ مسیری نیامده باشد؛ (نه هیچکدام، شاید هر دو)؛ پس قضیه (۲)، منفصل مانع الرفع است.

✓ در شکل (۳) مجید نمی‌تواند از هر دو مسیر A و B آمده باشد؛ اما این امکان وجود دارد که از مسیر C که مسیر دیگری است آمده باشد؛ (نه هر دو، شاید هیچکدام)؛ پس قضیه (۳)، منفصل مانع الجمع است.

### قیاس استثنایی:

قیاسی استثنایی قیاسی است که عین نتیجه یا نقیض آن، در یکی از مقدمات استدلال ذکر شده باشد؛ مثلا:

- مقدمه اول: اگر او انسان با اخلاقی است، فحاشی نمی‌کند.

- مقدمه دوم: او فحاشی می‌کند.

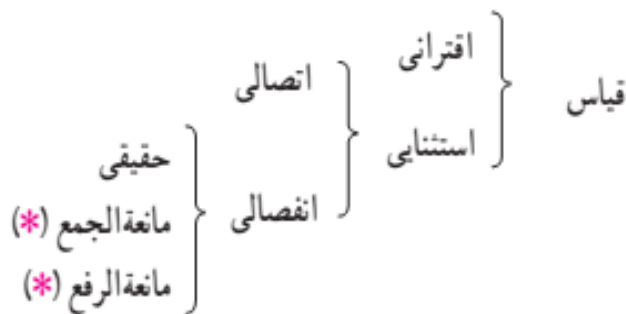
∴ او انسان با اخلاقی نیست.

توضیح: در مثال بالا، نقیض مقدمه اول در نتیجه آمده است.

با در نظر گرفتن نمودار زیر، به بیان اقسام قیاس‌های استثنایی اتصالی می‌پردازیم:

درباره قیاس‌های اقترانی در درس هشت، بحث شده است.

اکنون به قیاس‌های استثنایی می‌پردازیم.



### قیاس استثنایی اتصالی:

با یک مثال ساده کار را پیش می‌بریم.

- اگر باران ببارد، آنگاه هوا ابری است.

- باران می‌بارد (مقدم را وضع کردیم؛ پس می‌شود، وضع مقدم)

∴ هوا ابری است.

بنابراین وضع مقدم معتبر است. ✓

- اگر باران ببارد، آنگاه هوا ابری است.

- هوا ابری است. (تالی را وضع کردیم؛ پس می‌شود، وضع تالی)

∴ ..... (نتیجه غلط می‌شود، چون نمی‌توان گفت با وجود ابر، حتما باران می‌بارد)

بنابراین وضع تالی نامعتبر است. (مغالطه وضع تالی) ×

- اگر باران ببارد، آنگاه هوا ابری است.
- باران نمی بارد (مقدم را رفع (نفی) کردیم؛ پس می شود، رفع (نفی) مقدم)
- ∴ ..... (نتیجه غلط می شود، چون نمی توان گفت اگر باران نبارد، هوا حتما ابری نیست).
- بنابراین رفع مقدم نامعتبر است. (مغالطه رفع مقدم) X

- اگر باران ببارد، آنگاه هوا ابری است.
- هوا ابری نیست. (تالی را رفع (نفی) کردیم؛ پس می شود، رفع (نفی) تالی)
- ∴ باران نمی بارد.
- بنابراین رفع تالی معتبر است. ✓

#### ❖ نکات تستی:

- ✓ وضع مقدم و رفع تالی معتبرند و دو حالت دیگر نامعتبرند.
- ✓ حتما به مثبت و منفی بودن جملات توجه داشته باشید؛ مثلا:  
اگر علی به خانه آمده بود، در قفل نبود.  
در قفل است. (تالی ما از منفی به مثبت آمده، پس رفع تالی شده است)  
∴ پس علی نیامده است.

- ✓ هنگام بررسی اعتبار و عدم اعتبار قیاس‌های استثنایی، فقط مطابق فرمول و قواعد منطق، اقدام کنید، به هیچ عنوان به محتوای جمله توجه نکنید. باز هم تذکر می دهیم، منطق به ماده و محتوای قضیه کار ندارد؛ مثلا قیاس زیر نامعتبر است و ما نیازی نیست محتوای آن را ارزیابی کنیم:

- اگر این قلم می نویسد، پس جوهر دارد.  
قلم جوهر دارد. (مطابق قاعده، این قیاس، مغالطه وضع تالی کرده و نامعتبر است)  
∴ پس می نویسد.

#### قیاس استثنایی انفصالی:

قیاس استثنایی انفصالی می‌تواند متناسب با قضایای انفصالی که ذکر شد، سه حالت داشته باشد: حقیقی، مانعه الجمع و مانعه الرفع.

در این جا فقط قیاس استثنایی انفصالی حقیقی بررسی می شود. (دو مورد دیگر در کتاب، جزء مطالعه آزاد است).

#### قیاس استثنایی انفصالی حقیقی

با یک مثال ساده کار را پیش می‌بریم.

جزوه نکات تستی منطق دهم انسانی (ویراست ششم) - دکتر حمید رضا عبدلی

@h\_r\_abdoli کانال شخصی \*\* @dr\_abdoli\_test تدریس و اطلاع رسانی (ایتا و تلگرام)

- امسال یا سال کبیسه است یا عادی.

- امسال کبیسه است.

:: پس امسال عادی نیست. (این قیاس معتبر است.)

- امسال یا سال کبیسه است یا عادی.

- امسال عادی است.

:: پس امسال کبیسه نیست. (این قیاس معتبر است.)

نتیجه مهم: پس در قیاس استثنایی انفصالی حقیقی، اگر یک طرف اثبات شود، طرف دیگر نفی می شود.

بحث را ادامه دهیم:

- امسال یا سال کبیسه است یا عادی.

- امسال کبیسه نیست.

:: پس سال عادی است. (این قیاس معتبر است.)

- امسال یا سال کبیسه است یا عادی.

- امسال عادی نیست.

:: پس سال کبیسه است. (این قیاس معتبر است.)

نتیجه مهم: پس در قیاس استثنایی انفصالی حقیقی، اگر یک طرف نفی شود، طرف دیگر اثبات می شود.

نکته تستی: همانگونه که متوجه شدید، قیاس استثنایی انفصالی حقیقی، چهار حالت دارد که همگی معتبرند.

## درس دهم: سنجشگری در تفکر

### ❖ تفکر نقادانه:

- منظور از تفکر نقاد یا سنجشگرانه، فراگیری مهارت تفکر و تفکر کردن درباره نحوه صحیح اندیشیدن است. (همان اصول و قواعدی که در منطق می آموزیم)
- تفاوت تفکر نقاد با تفکر غیرنقاد (تقلیدی): ۱. جدی گرفتن فرآیند تفکر ۲. توجه آگاهانه به تفکر ۳. پرسیدن سوالات درست و بجا ۴. بررسی وجوه مختلف یک مطلب یا تصمیم.

### ❖ نکات تستی:

- ✓ گاهی اشخاص به جای نقد سخن، به نقد گوینده می پردازند و می کوشند به لحاظ روانی بر مخاطب تاثیر بگذارند که این خود، نوعی مغالطه است.
- ✓ خطاهای ذهنی به دو دسته تقسیم می شوند:

جزوه نکات تستی منطق دهم انسانی (ویراست ششم) - دکتر حمید رضا عبدلی

@h\_r\_abdoli کانال شخصی \*\* @dr\_abdoli\_test تدریس و اطلاع رسانی (ایتا و تلگرام)

- ۱. خطاهای **صوری**: یعنی خطاهایی که ناشی از به کار بردن استدلال‌های نامعتبر است. (منظور رعایت نکردن صورت (قواعد و فرمول‌های منطقی) است)
- ۲. خطاهای **غیر صوری** که خود بر دو نوع است:
  - خطاهایی که ناشی از به کارگیری مقدمات غلط است. (یعنی ماده و محتوای مقدمات غلط است)
  - خطاهای ناشی از عوامل روانی.

### ❖ کاربردهای استدلال:

شاید سوال شود، اساساً ما انسان‌ها برای چه و به چه هدفی استدلال می‌کنیم؟

در پاسخ باید گفت **هدف** ما از استدلال، ممکن است یکی از این سه باشد:

- به هدف **کشف حقیقت**؛ که در این صورت به آن **(برهان)** گفته می‌شود. استدلال به این هدف در ریاضی، فلسفه، منطق، علوم (اکتشافات علمی) و معارف دینی کاربرد دارد.
- به هدف **غلبه (پیروزی) بر مخاطب**؛ که در این صورت به آن **(جدل)** گفته می‌شود. در مناظرات، مجادلات زندگی روزمره و امثال اینها، معمولاً از جدل استفاده می‌شود.
- به هدف **قانع کردن دیگران** (با تحریک و برانگیختن احساسات و عواطف مخاطب)؛ که به آن **(خطابه)** گفته می‌شود. از خطابه در تبلیغات تلویزیونی، معرفی یک محصول تجاری، دعوت به شرکت در یک مراسم یا انتخابات، سخنرانی‌ها و ... استفاده می‌شود.

### ❖ نکات تستی:

- ✓ دعوت به شرکت در انتخابات، خطابه و خود مناظره‌های انتخاباتی جدل است.
- ✓ در جدل کسی که مغلوب می‌شود، **نظرش لزوماً تغییر نمی‌کند.**
- ✓ در جدل تلاش می‌شود که از دانسته‌های مخاطب استفاده شود و او را به تناقض‌گویی کشاند.
- ✓ در جدل بهتر است به گونه‌ای مقدمات را مطرح کرد که مخاطب نتواند زودتر نتیجه ما را حدس بزند. (غافل‌گیر کردن)
- ✓ بهتر است در جدل مرحله به مرحله از مخاطب نسبت به پذیرش سخنان، اعتراف گرفت.
- ✓ در خطابه از انواع فنون اقناع استفاده می‌شود. (مطرح شده در کتاب تفکر و سواد رسانه دوره متوسطه)
- ✓ برقراری تماس چشمی با شنوندگان، روان و شیوا سخن گفتن و استفاده مناسب از زبان بدن، تاثیر کلامی قوی‌تری در خطابه دارد.

### ❖ تفکیک مغالطه‌های این درس:

**بار ارزشی کلمات:** به طور خلاصه می‌توان گفت بار ارزشی کلمات، یعنی بیان یک معنا در چند لفظ مختلف که البته الفاظ بارهای مثبت و منفی با خود به همراه دارند؛ مثلاً برای بیان مرگ یک شخص از واژه‌های مثبت (شهید شدن، به دیار معبود شتافتن و ...) یا از واژه‌های منفی (هلاک شدن، سقط شدن و ...) استفاده می‌شود.

چند مثال:

- محمد: برادر من به مدیر هدیه داد. علی: برادر تو به مدیر رشوه داده است.
- مردمان کشور الف برای عدالتخواهی و اعتراض و مردمان کشور ب، برای تخریب و اغتشاش به خیابان آمدند.

#### ❖ نکات تستی:

✓ مغالطه بار ارزشی کلمات، برعکس اشتراک لفظ است. در اشتراک لفظ می‌گفتیم «یک لفظ چند معنا»، اینجا می‌گوییم «یک معنا، چند لفظ»

✓ بار ارزشی کلمات یک مغالطه نسبی است. (گاهی بار ارزشی کلمات، نسبت به فرهنگ و زبان و... فرق می‌کند)؛  
مثلاً:

عموماً واژه «ساده» برای یزدی‌ها معنای مثبت می‌دهد و معادل متواضع است؛ ولی برای برخی مثل تهرانی‌ها، گاهی به معنای کم اطلاع بودن و فرهیخته نبودن است.

#### ❖ مغالطه در اثر عوامل روانی:

اگر گوینده‌ای در مقام استدلال بکوشد به جای عقل و منطق، از نظر روانی بر مخاطب تاثیر بگذارد، دچار این مغالطه شده است؛ این مغالطه انواع متعددی دارد. به برخی از مهمترین آنها اشاره می‌کنیم:

**تله‌گذاری:** خلاصه مغالطه این است که گوینده صفت مثبت به مخاطبین بدهد که حرفش را بپذیرند؛ مثلاً:

- شما که انسان بسیار فرهیخته‌ای هستید، حرف مرا خوب می‌فهمید.
- خوش خطی تان باعث شد که از شما بخواهم که این مطلب را شما برایم بنویسید.

#### نکات تستی:

✓ نکته مهم: تله‌گذاری معادل تطمیع، تملق و بزرگنمایی نیست (تله برای کسی کار گذاشتن نیست). به تعریف تله‌گذاری دقت کنید. مثلاً:

▪ وقتی گفته شود «بهترین و ارزان‌ترین کالاهای خانگی را نزد ما بیابید».

این مغالطه بزرگنمایی است، نه تله‌گذاری؛ یعنی مثل عرف فکر نکنیم که این دارد برای مخاطبش تله کار می‌گذارد.

پس: حتماً به تعریف تله‌گذاری توجه داشته باشید.

✓ گاهی در تله‌گذاری از کلمات «همه می‌دانند»، «واضح است»، «آقای دکتر»، «حاج آقا»، «آقا مهندس» و «از شما بعید است...» و غیره، استفاده می‌شود؛ مثلاً:

▪ من در جمع استدلالی ارائه می‌کنم. بعد رو می‌کنم به یکی از حضار و می‌گویم: آقای دکتر (حاج آقا) نظر شما؟

در این گونه موارد، همان تعبیر آقای دکتر، می‌تواند به عنوان یک صفت مثبتی قلمداد شود که شخص را وادار به بیان مطلوب ما کند.

✓ این مغالطه معادل هندوانه زیر بغل کسی گذاشتن است.

مسموم کردن چاه: خلاصه مغالطه این است که گوینده صفت منفی به مخاطبین بدهد که حرفش را را رد نکنند؛ مثلاً:

- کسانی که به بیگانگان وابسته باشند، مخالف این سخن بنده خواهند بود.
- بی توجهی به نوع پوششمان باعث می شود، آبرویمان برود.
- هر کس به وسایل من دست بزند، معلوم است که آدم ندید بدید و عقده‌ای است.

#### ❖ نکات تستی:

- ✓ مغالطه مسموم کردن چاه، به نوعی بر عکس مغالطه تله‌گذاری به شمار می‌رود؛ یعنی در تست‌ها، گاهی یک جمله واحد را برخی، تله‌گذاری تفسیر می‌کنند و برخی همان را مغالطه مسموم کردن چاه می‌دانند.
- ✓ می‌توان گفت در مسموم کردن چاه، گوینده به مخاطبش برچسب منفی می‌زند.

بزرگ‌نمایی و کوچک‌نمایی: به طور خلاصه یعنی چیزی را بیش از آنچه واقعا هست (بزرگ‌نمایی)، یا کمتر از آنچه واقعا هست (کوچک‌نمایی) نشان دهیم؛ مثلاً در معرفی یک بازیگر تلویزیونی گفته شود:

- در خدمت یک بازیگر، نویسنده، نقاش، آهنگ‌ساز، نوازنده، فیلمنامه‌نویس، کارگردان حرفه‌ای و ... هستیم. توجه داشته باشیم ممکن است قیود فوق، همگی بر یک فرد صدق کند؛ اما احتمالاً آن شخص فقط در چند حیطه تخصص دارد و ما بقی قیود جنبه تشریفاتی دارد نه تخصص. برای همین در کلام فوق، شخص به بیش از آنچه هست معرفی شده است. (بزرگ‌نمایی)
- تمام غیبت‌های من فقط نه ساعت است؛ یعنی یک ساعت بیشتر از حد مجاز؛ چرا مسئله را این قدر بزرگ می‌کنید؟
- جمله فوق در صدد کوچک‌تر نشان دادن، تعداد غیبت‌ها است. (کوچک‌نمایی)
- در حملات دیروز، ۱۰۰ نفر کشته و زخمی شدند.

#### ❖ نکات تستی:

- ✓ این مغالطه ممکن است به شکل تصویری باشد؛ مثلاً با کاریکاتور، بر بُعد خاصی از یک چیز تاکید شود.
- ✓ هر جا عدد و ارقام دیدیم، لزوماً بزرگ‌نمایی یا کوچک‌نمایی نیست؛ مثلاً اگر گفته شود:

«مشرتی گرامی از ۱۰۰ ماشین لباسشویی موجودی فروشگاه، ۹۰ دستگاه آن در روز اول به فروش رفت و فقط ۱۰ دستگاه باقی مانده است»؛ ما با مغالطه «توسل به احساسات» مواجهیم؛ چرا که پیام فوق در صدد ایجاد طمع «تطمیع» در مخاطب است.

توسل به احساسات: به طور کلی یعنی تحت الشعاع قرار دادن یک تصمیم عاقلانه با انواع و اقسام تحریکات و احساسات و عواطف. (بدون ارائه استدلال) توسل به احساسات داری موارد متعددی است که در اینجا به برخی از مهمترین آنها اشاره می‌شود:

۱. **تطمیع:** ایجاد طمع؛ مثلاً: رئیسی بگوید اگر فلان کار را کردی، فلان پست و منصب را به تو می‌دهم.

جزوه نکات تستی منطق دهم انسانی (ویراست ششم) - دکتر حمید رضا عبدلی

@h\_r\_abdoli کانال شخصی \*\* @dr\_abdoli\_test تدریس و اطلاع رسانی (ایتا و تلگرام)

دقت کنید این مغالطه توسط به احساسات است؛ چرا که در حال ایجاد طمع در مخاطب است. (تطمیع است) و نباید فکر کنیم که منظور تله کار گذاشتن است.

▪ یا مثلا: استفاده از عباراتی مانند «فرصت طلایی»، «فقط چهار روز باقی است» و مانند آن‌ها در تبلیغات. این عبارات باعث می شوند مخاطب در انجام کار طمع کند.

۲. **ایجاد حس ترس:** مثلا شایعه پراکنی در برخی کشورها علیه مسلمانان، به گونه‌ای که برخی از شنیدن اسم مسلمانان ترس در آنها ایجاد می‌شود.

▪ یا مثلا: وقتی بین دو نفر گفتگو یا مشاجره ساده مطرح می‌شود؛ ممکن است یکی از طرفین چون استدلالی بر حرفش ندارد، به گونه‌ای وانمود کند که وابسته به سازمان‌های جاسوسی یا اطلاعاتی است و با این حرف‌ها، در مخاطبش ترس ایجاد کند.

۳. **تهدید:** مثلا پادشاه به کسی بگوید: اگر فلان کار را نکنی تو را به زندان می‌افکنم.

۴. **ایجاد حس ترحم:** مثلا گفته شود: «در بمب گذاری دیروز بیشتر مصدومین، زنان و کودکان بودند.»

جمله فوق در صدد ایجاد حس ترحم و شفقت است و نوعی مغالطه توسط به احساسات به شمار می‌رود.

▪ یا مثلا: کسی با نشان دادن چهره ژولیده‌اش، سعی در تکدی‌گری داشته باشد.

▪ همچنین کسی که به جای استدلال، برای جلب ترحم طرف مقابل، گریه می‌کند و اشک می‌ریزد!

۵. **خودخواهی:** مثلا بین برادر شما و شخص دیگری تصادفی رخ داده است. شما می‌گویید: پسر همسایه می‌بایست آهسته‌تر رانندگی کند! انگار در قضاوت اولیه، حق را به خانواده خود بدهیم.

✓ **نکته تستی:** ضرب المثل‌ها و جملاتی که بدون استدلال درست، بار قومیتی دارند یا یک قوم و گروه و کشور و شهر را برتر از مابقی اقوام و ملل می‌دانند؛ به نوعی دچار خودخواهی اند؛ مثلا:

▪ اینکه پیروان یک دین، خودشان را قوم یا امت برتر بدانند.

▪ اینکه گفته شود، هنر فقط نزد مردمان فلان کشور است!

▪ اینکه فلان شهر، نصف جهان است!

۶. **تملق (چاپلوسی):** مثلا کسی که با چاپلوسی و تملق مدیران بالادستی توانسته است به جایگاه و مرتبه‌ی بالایی در یک سازمان دست یابد، از این مغالطه بهره برده است.

۷. **خشم:** مثلا کسی توان پاسخ منطقی دادن به مخاطب را نداشته باشد؛ با ابراز خشم و عصبانیت (بالا بردن صدا، مشت کوبیدن به میز، پرتاب اشیاء و ...)، بخواهد بر مخاطبش تاثیر گذاشته و به اصطلاح، حرفش را به کرسی بنشانند.

### ❖ نکات تستی:

✓ توجه داشته باشید باید با دقت در **تعریف** هر مغالطه، بتوانید نوع آن مغالطه را مشخص کنید.

✓ موارد فوق، از اقسام «توسل به احساسات» هستند؛ بنابراین احتمالا در گزینه‌های پیش‌روی شما در تست، باید گزینه «توسل به احساسات» انتخاب شود.

جزوه نکات تستی منطق دهم انسانی (ویراست ششم) - دکتر حمید رضا عبدلی

@h\_r\_abdoli کانال شخصی \*\* @dr\_abdoli\_test تدریس و اطلاع رسانی (ایتا و تلگرام)

- ✓ تعداد موارد «توسل به احساسات» بیش از چند مورد بالا است. چه بسا، نوع دقیق آن در کتاب نیامده باشد، اما ما می‌فهمیم که به جای استدلال، در حال توسل به عواطف و حالات روانی و احساسی دیگران است. در این‌گونه تست‌ها باید گزینه «توسل به احساسات» انتخاب شود؛ مثلاً:
- اینکه کسی شما را با زبان یا رفتارش در رودر بایستی بیاندازد.
  - یا حتی نوع پوشش و لباس شخص، این را القاء کند که هنرمند است، توانمند است، دانشمند است و ...

**با آرزوی ذهن زیبا و بیان نافذ برای شما**

**حمید رضا عبدلی**

جزوه پیش رو، حاصل ماه‌ها تجربه، تالیف و هزینه کردن عمر است. اینجانب، برای دسترسی فراگیر و راحت دانش‌آموزان و دبیران محترم، آن را به شکل فایل منتشر کردم. با توجه به رعایت حق نشر مولف اثر، استفاده‌کننده محترم (خوانش، کپی، پرینت یا استفاده مجازی) اخلاقاً مکلف است، مبلغ **۳۵ هزار تومان** به شماره کارت ۶۱۰۴۳۳۷۷۲۳۳۰۱۹۵۶ به نام حمیدرضا عبدلی واریز نماید. (مبلغ سه جزوه منطق دهم، فلسفه یازدهم و فلسفه دوازدهم، با تخفیف، جمعاً **۱۱۰ هزار تومان** می‌باشد).

**توجه:** این جزوه، برای کسانی که توانایی پرداخت ندارند، رایگان است.